



آسیب شناسی تحلیل مسائل اجتماعی در ایران و راهکارهای آن

محبوبه ظفری^۱

چکیده

مسئله اجتماعی به مثابه آسیب اجتماعی یک قرن پیش رویکرد کارکردی ساختار - جامعه را به سان ارگانیک زنده می‌دید. این دیدگاه به نظریه آسیب‌شناسی اجتماع منتهی شد؛ مدلی نظری که مسئله اجتماعی مانند بیماری که عمل بدن انسان را مختل می‌کند، اختلال در عمل طبیعی جامعه به شما می‌آورد. این مدل جرم، مدرسه‌گرایی و رابط پیش از ازدواج را آسیب کلمه‌ای یونانی به معنی بیماری اجتماعی تلقی می‌کند که سلامت جامعه را به خطر می‌افکند؛ و با توجه به مرور تحقیقات گذشته تحقیق، مشخص شد که مناطق فقیرتر و کیفیت‌تر و محله‌هایی که دارای کوچه‌های باریک و تنگ هستند، محمل مناسب‌تری برای جرم و کجروی و انحرافات اجتماعی هستند. بر اساس نظریه پنجره‌های شکسته، خانه‌هایی که ظاهر بد و خرابی دارند مکان بهتری برای ایجاد آسیب اجتماعی هستند. حتی در خانه‌هایی که از نظر روشنایی و امکانات مناسب نیستند برای ایجاد یک انحراف نسبت به خانه‌های با ریخت و شمایل بهتر دارند. افراد در کوچه‌ها و محل‌های تاریک فاقد امکانات و با امکانات کمتر و مناطقی که رسیدگی کمتری دارند بیشتر مستعد انجام ناهنجاری و انحراف و شکل‌گیری یک مسئله اجتماعی و آسیب اجتماعی هستند. هدف تحقیق حاضر آسیب‌شناسی تحلیل مسائل اجتماعی در ایران و راهکارهای آن می‌باشد.

کلمات کلیدی: آسیب اجتماعی، جامعه، مسائل اجتماعی، آسیب شناسی

۱- مقدمه

امروزه آسیب اجتماعی بزرگ‌ترین ضربه و خطر هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. نمی‌توان از کنار انحرافات و مسایل اجتماعی به راحتی گذشت. و برای حل و مقابله با آن‌ها باید راهکارهای مناسب و متناسبی بکار گرفت. در این مقاله، سعی بر آن می‌شود که آسیب اجتماعی از نگاه جامعه‌شناسی بررسی شود. نگاه کلی و جزئی. از منظر جامعه و افراد. در اینجا اولاً موضوع آسیب‌ها از منظر جامعه‌شناسی به طور اخص و سایر علوم به گونه مختصر بررسی می‌شود و سپس به علل و نتیجه و پیشنهادات رسیدگی می‌شود. «آسیب» از جمله مفاهیمی است که از علم پزشکی وارد حوزه جامعه‌شناسی شد. از این رو، در آغاز همان معنایی از آن مراد می‌شد که از آسیب در علم پزشکی مورد نظر بوده است؛ یعنی جامعه و اجزای آن را موجود زنده می‌پنداشتند و آسیب اجتماعی، نقصان حادث شده در کل پیکر جامعه فهمیده می‌شد. همچنان بدن به عنوان یک سیستم برای بقا تلاش می‌کند و هر عضو در این راستا وظایفی بر عهده دارد، در جامعه نیز بروز آسیب به معنای وجود خلل در عضو یا اعضای است که به هر دلیل نتوانسته‌اند وظیفه یا وظایف خود را به نحو مطلوب به انجام رسانند. این رویکرد به آسیب متأثر از نگاه زیست‌شناسی و تکاملی به جوامع می‌باشد. در این بحث دورکیم برای تبیین پدیده آسیب‌شناسی از دو لفظ نرم (بهنجار) و آنمی (ناهنجار) استفاده می‌کند (دورکیم، ۱۳۷۳، ص ۷۴). نقطه مقابل این دیدگاه آسیب‌شناسی مبتنی بر نظرات

^۱ کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد شوشتر، Zafarymahbobe@yahoo.com

مکتب کنش اجتماعی متقابل نمادین است. پیروان این مکتب قائل به جامعه و ساختارهای آن نیستند و سیالیت دائمی کنش و واکنش‌ها و نظام معانی‌ایی که آن را احاطه کرده، محور مطالعات خود قرار داده‌اند. افرادی چون ماکس وبر و پل‌راک بر درک تفسیری کنش اجتماعی تأکید دارند. منظور از کنش اجتماعی، آن رفتار انسانی است که دارای معانی خاصی است (وبر، ۱۳۷۴، ص ۳). مسئله اجتماعی می‌تواند در معنای شرایط و اوضاع خاصی به کار رود که نیاز به بهسازی داشته باشد. در این صورت، مسائل اجتماعی ناشی از وجود یا عدم تعادل‌های جزئی، مشکلات یا بن‌بست‌هایی که خروج از آن برای افراد محروم امکان‌پذیر نیست، مطرح نظر قرار می‌گیرند (آلن بیرو، ۱۳۸۰: ۳۷۲). «مسائل اجتماعی به‌عنوان پدیده‌های نامطلوب، اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌دارند، به‌طوری‌که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آن‌ها پدید می‌آید که مقامات رسمی کشور را به چاره‌جویی و اقدام عملی در جهت اصلاح و یا رفع و پیشگیری از آن‌ها وامی‌دارد» (عبدالهی، ۱۳۸۶: ۱۲). درجایی که ادعای مسئله توجه عموم را جلب می‌کند، احتمالاً به رد ادعا از سوی مخالفان می‌کشد. به‌عبارت‌دیگر اکثر موضوعات مجادله برانگیز دست‌کم شامل دو موضع متفاوت است. به‌عنوان مثال در مجادله بر سر سقط‌جنین، یک‌طرف مجادله مدعی است که سقط‌جنین کشتن ناب‌حق کودکی است که زاده نشده است. طرف دیگر مدعی است که سقط‌جنین حق زن است و در مورد زادن یا نزادن جنین، فقط زن است که باید تصمیم بگیرد. سیاست‌ها که عرصه فعالیت قدرت در جامعه‌اند معمولاً موضوع ادعا و انکار درباره اوضاعی است که باید مسئله اجتماعی به شمار آید یا نه (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۷). نشانه موفقیت ادعای مسئله، اغلب وضع قانون است. وضع قانون، اعلام روشن غلط بودن یک عمل و حمایت از قدرت دولت برای مقابله با آن است. در چند دهه اخیر، وضع قانون علیه مزاحمت و مزاحمت جنسی به‌وضوح مسئله اجتماعی به شمار آوردن این اعمال است و به‌نظام قضایی امکان می‌دهد با این نوع خلاف‌کاران مقابله کند (wach Dason & Niaobic).

مسئله اجتماعی و جنبش اجتماعی تبدیل شدن فرایند ادعای مسئله به مسئله اجتماعی، تقریباً همیشه حاصل تلاش افراد زیادی است که باهم کار می‌کنند. جنبش اجتماعی، تلاشی سازمان‌یافته است در جهت ادعای مسئله به‌منظور ایجاد طرز فکری در مردم درباره موضوعی به‌منظور تشویق تغییر اجتماعی یا اجتناب از آن. طی چند دهه گذشته جنبش‌های اجتماعی در مسئله اجتماعی به شمار آمدن بسیاری از موضوعات، نقشی کلیدی داشتند از جمله ایدز، مزاحمت جنسی، خشونت نزدیکان و جنگ عراق (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۷). در این تحقیق ما به دنبال بررسی آسیب شناسی مسائل اجتماعی در ایران و راهکارهای آن هستیم.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- مفهوم مسئله اجتماعی

یک تعریف ساده اما گویا از مسئله اجتماعی، همان است که "سی رایت میلز" نزدیک به نیم‌قرن قبل ارائه داده است. وی می‌گوید اگر در یک شهر صد هزار نفری، ۲۰ نفر از جمعیت فعال بیکار باشند، می‌توان آن را به تنبلی آنان، به پایین بودن ضریب هوشی‌شان، یا به هر عامل فردی دیگر مرتبط دانست؛ اما اگر در این شهر ۲۰۰ نفر بیکار باشند، باید آن را یک مسئله اجتماعی محسوب نمود؛ چه رسد به اینکه دو هزار نفر از آن جمعیت بیکار باشند. میلز با یک شاخص کمی می‌گوید: نسبت کسانی که از شرایط آسیب‌دیده‌اند یا رنج می‌برند، معیار خوبی برای وجود یک مسئله اجتماعی است. بر اساس این تعریف، مسئله اجتماعی آن است که جامعه به‌صورت بروز آسیب آن را نمودار ساخته یا بدان واکنش نشان می‌دهد (خلیلی ۱۳۹۰: ۱۲۸).

نویسندگان فرهنگ جامعه‌شناسی به سه دلیل فرهنگی، تاریخی و سیاسی بر دشواری تعریف مسئله اجتماعی اشاره دارند. تفاوت‌های فرهنگ موجب می‌شوند موضوعی که برای یک گروه مسئله تلقی می‌شود، برای گروه دیگر به‌عنوان مسئله طرح نگردد؛ بنابراین، نمی‌توان یک تعریف مشخص دقیق و جهان‌شمول برای مسئله اجتماعی ذکر کرد. همچنین مسائل اجتماعی در طی زمان تغییر ماهیت می‌دهند و نمی‌توان در تعریف، یک صورت ثابت برای آن فرض کرد. همین موضوع صلاحیت تشخیص متولیان مسئله اجتماعی را دشوار می‌کند. بدین معنا که چه کسانی باید تشخیص مسئله اجتماعی از غیر آن را بر عهده بگیرند؟ طبیعی است تغییر تشخیص‌دهندگان، تغییر دیدگاه‌ها و منافع را به دنبال دارد. همین موضوع سبب می‌شود مصادیق مسائل اجتماعی نیز تغییر کنند. عامل دیگری که نقش اساسی در تشخیص و تعریف مسئله اجتماعی دارد- و البته سبب دشواری تعریف آن نیز گشته است- تفاوت دیدگاه‌های متفکران و جامعه‌شناسان می‌باشد که علاوه بر تفاوت‌های شخصیتی میان آن‌ها، ناشی از تعلق خاطر فکری و حتی سیاسی‌شان به یک ایده، مکتب و

حکومت خاص است؛ بنابراین، طرح مسائل، محدود به دریچه دید آن‌ها می‌شود. همین تنوع دیدگاه‌ها، گاه منجر به آنارشیسم در تشخیص و تعریف مسائل می‌گردد. این مهم، موضوع محوری در جامعه‌شناسی معرفت است که در آن، بر تأثیرگذاری مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی و به‌طور کلی زیربنای اجتماعی هر دوره بر علم آن زمان تأکید بسیار می‌شود. علی‌رغم انتقادهای وارد بر جامعه‌شناسی معرفت، این موضوع پذیرفتنی است که هر جامعه در هر زمان، مسائل خاص خود را دارد که متفکران همان جامعه بایستی با مباحثه و در نهایت دستیابی به مبانی مورد اجماع، مبادرت به شناخت و پاسخگویی آن کنند. در این خصوص شهید بهشتی به این مطلب اشاره می‌کند که هرگز نمی‌شود به یک کسی گفت مسئله را جور دیگری بفهمد. خوب همان‌گونه که درک می‌کند، می‌فهمد. ما اگر توانایی داریم باید کمک کنیم تا ما هم مثل او بفهمیم. نمی‌شود همه یک‌جور بفهمند؛ اما وقتی یک گروه و عده‌ای مسئولیت کشور را بر عهده دارند، این‌ها باید طبق همان چارچوب‌های قانونی عمل کنند و برخورد آن‌ها با مسائل و با یکدیگر برخوردی نباشد که خارج از اصول تعاون و همکاری باشد (انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، ص ۷۸۰). در چارچوب مطالعات جامعه‌شناختی هدف از بررسی ماهیت تغییرات، چگونگی و چرایی آن است، به‌طوری‌که از مهم‌ترین مسائل جامعه‌شناسان کلاسیک، همانا جست‌وجوی علل تغییر در جوامع غربی و بررسی تحولات آنان بوده است. کسانی چون هنری سیمون، آگوست کنت، امیل دورکیم، ماکس وبر، کارل مارکس، فردیناند تونیس و... توان فکری خود را مصروف درک تغییر و تحولات ناشی از صنعتی شدن کردند. مهم‌ترین عامل مولد مسائل اجتماعی در یک جامعه، عنصر «تغییرات اجتماعی» می‌باشد. وقوع تغییرات، منجر به تولید مسائل جدیدی شده که می‌توانند به‌صورت «اجتماعی» طرح شوند. حال باید پرسید: «مسئله اجتماعی» چیست؟ مسئله اجتماعی، موضوعی است که اجتماعی تلقی می‌شود. اجتماعی بودن نیز منوط به وجود ویژگی‌هایی است که آن را از امور فردی و روان‌شناختی متمایز می‌سازد. امیل دورکیم، می‌گوید یک سلسله پدیده‌هایی است که دارای اوصاف بسیار خاصی است، این پدیده‌ها عبارت‌اند از: شبه‌های عمل، فکر و احساس که در بیرون از شخص وجود دارد و از قدرت و قوت اجباری برخوردارند و به‌وسیله آن خود را بر فرد تحمیل می‌کنند؛ این پدیده‌های مذکور از نوعی جدید است و باید به آن‌ها صفت «اجتماعی» اطلاق شود و مختص آن‌ها باشد. وی بر عینی بودن مسئله اجتماعی تأکید دارد (دورکیم، ۱۳۶۰، ص ۲۸). سی رایت میلز، نیز منشأ مسئله اجتماعی را بر سه مسئله اساسی متمرکز نموده است که در این سوالات نمایان است (میلز، ۱۳۶۰، ص ۲۱).

۲-۲- مراحل و سطوح تحلیل اجتماعی

مسئله خرد و کلان یکی از معیارهای اصلی ارزیابی نظریه‌های جامعه‌شناسی است. بطوریکه برخی از نظریه‌ها و مکاتب از پرداختن به سطوح خرد واقعیت اجتماعی درمانده‌اند، و برخی دیگر به دلیل اهمیت بیش‌ازاندازه قائل شدن برای ساختارهای اجتماعی و سطح کلان واقعیت اجتماعی از توان تحلیل سطوح خرد واقعیت اجتماعی همچون کنش و عاملیت برخوردار نیستند. البته خرد یا کلان بودن یک نظریه ردیلت یا فضیلت نیست، بلکه این ضرورت تاریخی و دیالکتیک بین نظریه و ساختارهای اجتماعی است که در برهه‌ای از تاریخ جامعه‌شناسی منجر به توجه جامعه‌شناسی به سطوح کلان واقعیت اجتماعی شده و در برهه‌ای دیگر جامعه‌شناسی را به سمت مسائل خرد کشانده است. در این راستا برای پاسخ دادن به این دوگانگی جامعه‌شناسان سعی در تلفیق این دو پارادایم خرد و کلان داشتند. پیوند خرد و کلان تا دهه‌ی ۸۰ به‌عنوان یک مسئله در نظریه‌پردازی مطرح بوده و پس‌ازاین دهه کسانی چون: گیدنز، هابرماس، الگزندر، کرپس، کالینز، مایکل هکتز، کلمن، باری هیندس، امرسون و رانلد پرت (ریترز، ۱۳۸۰: ۱۰۵) بر این مسئله فائق آمده‌اند. در این چشم‌انداز هر نظریه‌ای که - مانند نظریه تبادل، جامعه‌شناسی پدیده شناختی، روش‌شناسی مردم‌نگارانه و جامعه‌شناسی وجودی - به کنشگران خلاق و صاحب‌فکر نظر دارد جزء نظریه‌های خرد قرار می‌گیرد. گرچه نظریه تبادل در این میان بر کنشگران خلاق و صاحب‌فکر نظر ندارد، اما به دلیل تأکید بر سطوح خرد واقعیت، جزء این دسته از نظریه‌ها قرار می‌گیرد. نظریه‌های خرد در دهه‌ی ۱۹۷۰، در جامعه‌شناسی قدرت یافتند و نظریه‌های کلان (مانند کارکردگرایی ساختاری، نظریه کشمکش و نظریه‌های نومارکسیستی) را که بر جامعه‌شناسی غلبه داشتند تهدید کردند (همان: ۹۸).

ریترز مسئله بودن نظریه پردازی خرد و کلان را این گونه بیان می کند:

«در همین مقوله، نظریه های بیش از حد خرد بینانه ای را می توان ذکر کرد که وجود و اهمیت پدیده های سطح کلان را انکار می کنند و یا ناچیز می شمارند [۱۹۶۷؛ ۱۹۶۹؛ ۱۹۷۴]، رفتارگرایی اسکینر [۱۹۷۱] و بالدوینها [۱۹۸۶]، نظریه کنش متقابل نمادین بلومر [۱۹۶۲؛ ۱۹۶۹] و نیز نظریه های افراطی سطح کلان که نقش پدیده های سطح خرد را انکار می کنند و یا دست کم می گیرند (مانند روی آوردن پارسونز به جبرگرایی فرهنگی [۱۹۶۶]، نظریه ساختاری بلاو [۱۹۷۷]، ساختارگرایی می هیو [۱۹۸۰]، ما بعد ساختارگرایی فوکو و...)» (همان: ۵۹۸).

مسئله ای که در تلفیق بین نظریه های خرد و کلان بین اصحاب تلفیق دیده می شود نوعی افراط گرایی یک جانبه است، که جامعه شناسان را در دام طرفداری از یک پارادایم در مقابل پارادایم دیگر قرار می دهد. افرادی همچون کالینز به جهت افراطی خرد کشانده می شوند و یا همچون الگزندر در مسیر افراطی کلان می افتند.

بنابراین با توجه به تمامی مسائلی که سد راه تلفیق نظریه های خرد و کلان وجود دارد ما به دنبال پاسخ گویی به این سؤال هستیم که آیا تقسیم بندی نظریه جامعه شناسی به خرد و کلان صحیح است؟ و نظریه های کلان توان تحلیل سطوح خرد را ندارند و بالعکس؟

۲-۳- فنون و شیوه ها و فرایند تحلیل مسائل اجتماعی

مسئله اجتماعی وضعی است که آسایش برخی از مردم با همه مردم جامعه را به هم می زند و معمولاً موضوع بحث عمومی است؛ بنابراین تعریف «وضع» به معنای وضعیتی است که دست کم بخشی از مردم آن را دشوار می دانند مانند بیکار با در مضیقه مالی بودن یا واهمه داشتن از جرم و جنایت و با نگرانی درباره اثر زباله های سمی (مشونیس، ترجمه ناییبی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۰).

وضعی که «آسایش مردم را به هم می زند با آسیب رساندن مستقیم به انسان یا با محدود کردن آزادی عمل انسان به مردم لطمه می زند. فی المثل فقر نه تنها انسان را از غذای کافی و مسکن مناسب محروم می کند بلکه شأن آدمی را پایین می آورد و او را منفعیل و ضعیف می سازد (مشونیس، ترجمه ناییبی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۱).

از آنجاکه هر مسئله ای تأثیر متفاوتی بر اقشار گوناگون مردم دارد، هیچ مسئله ای نیست که برای همه زبان بار باشد. در بحران اقتصادی ۲۰۰۸ برخی از مدیرعاملان به پاداش های هنگفتی رسیدند و از کمک مالی دولتی برخوردار شدند و پاره های شرکت ها چون مال مارت که اجناس را باقیمت بسیار پایین می فروخت، کسب و کار خوبی داشتند، حتی جنگ که جان سربازان جوان را می گیرد شرکت های سازنده اسلحه را ثروتمند می سازد و قدرت زیادی برای رهبران نظامی کشور به ارمغان می آورد. در نتیجه به سادگی نمی توان به عواقب کامل یک مسئله اجتماعی خاص پی برد (مشونیس، ترجمه ناییبی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۱).

مسائل اجتماعی، باعث بحث و جدل عمومی می شوند. گاه مسئله ای اجتماعی نظیر سختی که صدها هزار تن از مردم، به ویژه افراد کم درآمد بر اثر وقوع طوفان یا زلزله ای مهیب می کشند، بخش بزرگی از مردم را ناراحت می کند. در برخی موارد هم مانند شیوع بیماری در یک کشور یا یک منطقه، شمار کوچکی از اشخاص بانفوذ از قبیل محققان و مسئولان بهداشت عمومی و دولتمردان بر مسئله انگشت می گذارند و اقداماتی انجام می دهند که بر بخش بزرگی از جامعه تأثیر می گذارد، مثل واکسن زدن یا محدود کردن رفت و آمد به منطقه آلوده به بیماری مسری باشد. در پایان سال ۲۰۰۸ هم بحران مالی در بین مسائل اجتماعی اصلی از جنگ عراق بالاتر قرار می گیرد و به مهم ترین مسئله اجتماعی کشور تبدیل می شود. چند مسئله مهم دیگر ۲۰۰۸ نیز بیانگر وضع بد اقتصادی است (مشونیس، ترجمه ناییبی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۱).

مسائل اجتماعی در طول زمان مقایسه فهرست مسائل اجتماعی مبین سه موضوع کلی است: اقتصاد و جنگ و دولت بد؛ اما اکثر مسائل باهم فرق دارند که نشان دهنده تحول مسائل اجتماعی در طول زمان است. در فاصله ۲۰۰۷ تا پایان ۲۰۰۸ جنگ عراق و مهاجرت غیرقانونی و قیمت بالای بنزین و اقتصاد بد در رأس مسائل اجتماعی کشور قرار داشت (مشونیس، ترجمه ناییبی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۱).

رویکرد تعبیر گرایی اجتماعی این واقعیت است که مردم در زمان های متفاوت موضوعاتی متفاوت را مسئله اجتماعی به شمار می آورند، حاکی از اهمیت رویکرد تعبیر گرایی اجتماعی است. این رویکرد معتقد است وضعیتی به مسئله اجتماعی تبدیل می شود که مردم آن را بد به شمار می آورند و بر لزوم تغییر آن وضع انگشت می گذارند. در این رویکرد، مسئله اجتماعی وجهی ذهنی دارد و بیانگر قضاوت مردم درباره

دنیاست. برای مثال باینکه مسئولان بهداشت هشدار می‌دهند که اکثر مردم آمریکا چاق‌اند، عموم مردم هنوز چاقی را در ردیف مسائل اجتماعی مهم قرار نمی‌دهند و این امر به‌رغم این واقعیت عینی است که مرگ بر اثر بیماری‌های ناشی از چاقی چندین برابر تلفات سربازان در جنگ افغانستان و عراق است (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۲).

موضوعی که امروز مسئله اجتماعی به شمار نمی‌آید چه‌بسا در آینده مسئله اجتماعی قلمداد شود. مثلاً ای با چند دهه بعد ببینیم آی پد که سخت در بین جوانان محبوب است منجر به ضایعه شنوایی در بین میلیون‌ها تن و احتمالاً افزایش سوانح رانندگی شده است. شاید بدین نتیجه هم برسیم که آی پد مردم را از محیط اطراف جدا می‌کند و زیان‌بخش است. حتی روندهای بالقوه فاجعه باری همچون گرم شدن زمین را امروز فقط بخش کوچکی از مردم جهان مسئله اجتماعی مهم تلقی می‌کنند (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۳). تشخیص این‌که‌ای بااهمیت موضوعات اجتماعی از لحاظ عینی و ذهنی یکی نباشد راه را برای شناخت عمیق‌تر تغییرات اجتماعی می‌گشاید. یک دهه پیش پایین‌تر بودن جایگاه اجتماعی زنان نسبت به مردان واقعی عینی بود. در ۱۹۰۰ نهم مردان شاغل بودند درحالی‌که نهم زنان خانه‌نشین و به خانه‌داری و مراقبت از کودکان می‌پرداختند. زنان حق رأی هم نداشتند (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۴).

گو این‌که شماری از مردم این واقعیت را نابرابری آشکار می‌دیدند، اکثر مردم این وضع را مسئله به شمار نمی‌آوردند. چرا؟ اکثر مردم معتقد بودند از آنجاکه زنان و مردان تفاوت‌های بیولوژیکی آشکاری دارند پس توانایی‌های متفاوتی هم باید داشته باشند. بدین ترتیب طبیعی به نظر می‌رسید که مردان برای تأمین معاش خانواده بیرون بروند و زن آن‌که جنس ضعیف، تلقی می‌شدند در خانه بمانند تا به کارهای خانه بپردازند. به‌عبارت‌دیگر نابرابری جنسیتی عظیمی وجود داشت ولی مسئله اجتماعی به شمار نمی‌آمد (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۴).

امروز زنان و مردان نسبت به ۱۹۰۰ به برابری اجتماعی بسیار نزدیک‌تر شده‌اند اما اذعان به وجود مسئله جنسیت، در آمریکا، هم گسترده‌تر شده است. چرا؟ معیارهای فرهنگی‌مان تغییر کرد. تا جایی که امروز مردم زن و مرد را عمدتاً یکسان می‌داند و از این‌رو انتظار داریم زنان و مردان از برابری اجتماعی برخوردار باشند. در نتیجه حتی موارد کوچکی از نابرابری جنینی را مسئله اجتماعی تلقی می‌کنیم (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۴).

ادعای مسئله در ۱۹۸۱ مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها گزارش‌هایی از بیماری ناشناخته‌ای دریافت می‌کند که باعث مرگ مردم می‌شود. قربانیان اکثر مردان هم‌جنس‌خواه بودند. این بیماری ایدز نام گرفت و چند سال به‌رغم ابتلای هزاران نفر بدین بیماری در آمریکا پوشش خبری و نگرانی عمومی نسبت بدان چندان نبود؛ اما در ۱۹۸۵ ایدز مایه نگرانی عمومی شد و این بیماری مسئله اجتماعی مهمی به‌حساب آمد (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۵).

چه شد که این بیماری مسئله اجتماعی قلمداد شد؟ برای این‌که وضعی مسئله اجتماعی تلقی گردد مردم و معمولاً ابتدا بخش کوچکی از مردم ادعا می‌کنند که باید آن را مسئله اجتماعی به‌حساب آورد. در مورد بیماری ایدز هم‌جنس‌بازان مرد در شهرهای بزرگ و به‌ویژه سان‌فرانسیسکو و نیویورک به فعالیت گسترده‌ای جهت گسترش آگاهی از خطرات این بیماری مهلک مبادرت ورزیدند (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۵).

ادعای مسئله، فرایندی است برای متقاعد کردن عموم و مسئولان مهم به این‌که وضعیت با موضوعی خاص مسئله اجتماعی به شمار آید. ادعای مسئله، هنگامی پا می‌گیرد که مردم وضع موجود را نپذیرند. مرحله اول ادعای مسئله، شکل‌گیری بحث عمومی است که آغاز فرایند تغییر وضع موجود با متقاعد کردن مردم به نامطلوب بودن آن است. در ادامه، ادعای مسئله مردم تغییر موردنیاز و علت آن را توضیح می‌دهند (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۵).

مردم عادی وقتی دست‌به‌دست هم بدهند، می‌توانند به‌طور مؤثری ادعا کنند که وضعیت خاصی مسئله است، در ۱۹۸۰ زنانی که فرزندان خویش را در سوانح رانندگی ناشی از مصرف الکل در هنگام رانندگی از دست‌داده بودند باهم متحد شدند و سازمان مادران مخالف رانندگی هنگام مصرف الکل را بنیان نهادند. این سازمان برای قوانین سختگیران در قبال مصرف مشروبات و رانندگی در هنگام مصرف الکل تلاش می‌کند تا راه‌ها و جاده‌ها امن‌تر شوند. در سال‌های اخیر دانشجویان خوابگاهی ادعا می‌کنند بسیاری از زنان قربانی می‌کوشند با ترغیب قربانیان به لب به سخن گشودن، آگاهی از تجاوز به زنان را گسترش دهند، این اقدام از همراهی سازمان‌های ملی متعددی برخوردار شده است (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۶).

رسانه‌های جمعی هم نقش مهمی در فرایند ادعای مسئله‌دارند. تلویزیون، رادیو، روزنامه و اینترنت، میلیون‌ها تن را مطلع می‌کنند و به بسیج مردم برای تشکیل گروه‌هایی که فعالانه در پی تغییرند کمک می‌کنند. هر چه پوشش خبری یک موضوع بیشتر باشد و گزارش‌های خبری بیشتری موافق تغییر باشند، احتمال تبدیل شدن موضوع به مسئله اجتماعی بیشتر می‌شود (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۲۶).

ادعای مسئله ممکن است به سرعت به بار بنشیند. زمانی که در ۲۰۰۸ اقتصاد دچار بحران شد مسئولان دولتی و عموم مردم پی درنگ فروپاشی نظام بانکی و گسترش بیکاری را مسئله اجتماعی مهمی به شمار آوردند. در برخی موارد هم این فرایند سال‌ها طول می‌کشد. همان‌طور که به میان آمد هرچند بنا به برآورد کارشناسان، استفاده از موبایل در هنگام رانندگی باعث می‌شود سالانه هزاران تن جان خود را از دست بدهند، فقط بخش کوچکی از ایالت‌ها قوانینی علیه آن وضع کرده‌اند (governors highway safety association (2009).

۲-۴- رویکرد کارکردی ساختاری

رویکرد کارکردی ساختاری چارچوبی نظری است که جامعه را نظامی از بخش‌های به هم مرتبط می‌داند. جامعه‌شناسان بخش‌های اصلی این نظام را نهاد اجتماعی می‌نامند که عرصه‌های اصلی حیات اجتماعی با خرده نظام‌هایی است که برای برآوردن نیازهای اساسی انسان شکل گرفته‌اند. برای مثال رویکرد کارکردی ساختاری به دنبال آن است که خانواده نظامی است که تضمین بخش فرزند پروری است یا مدرسه نوجوانان را به مهارت‌های درخور زندگی بزرگسالی مجهز می‌کند. همچنین اقتصاد، کالا تولید و توزیع می‌کند و نظام سیاسی اهداف و اولویت‌های ملی را تعیین نمی‌نماید و دین نیز زندگی انسان را با معنا و هدفمند می‌سازد (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۳۳).

۲-۴-۱- اولین نظریه‌های کارکردی:

مسئله اجتماعی به مثابه آسیب اجتماعی یک قرن پیش رویکرد کارکردی ساختار - جامعه را به سان ارگانیک می‌داند. ای دیدگاه به نظریه آسیب‌شناسی اجتماع منتهی شد؛ مدلی نظری که مسئله اجتماعی مانند بیماری که عمل بدن انسان را مخت می‌کند، اختلال در عمل طبیعی جامعه به شما می‌آورد. این مدل جرم، مدرسه‌گریزی و رابط پیش از ازدواج را آسیب (کلمه‌ای یونانی به معنی بیماری اجتماعی تلقی می‌کند که سلامت جامعه را به خطر می‌افکند (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۳۲).

چه چیز جامعه را خراب می‌کند؟ از آنجا که نخستین کارکردگرایان، جامعه را سالم و خوب به شمار می‌آوردند، بسیاری نتیجه‌گیری کردند که آسیب‌ها باید کار مردم ضعیف با نابکار باشد. هربرت اسپنسر (۱۸۲۰-۱۹۰۳) جامعه‌شناس انگلیسی، مسئله فقر را پیامد فقدان توانایی و انضباط شخصی برای کار در مردم می‌داند. تفکر اسپنسر مبتنی بر اندیشه‌های چارلز داروین بود که نظریه دوران ساز تکامل را در ۱۸۵۹ منتشر کرد. «داروین‌بسم اجتماعی، اسپنسر، ثروتمندان را موفق‌ترین اعضای جامعه می‌داند و فقرا را کسانی که قادر به پیشرفت نبوده‌اند. از نظر اسپنسر، رقابت سخت بازار به نفع جامعه است چراکه تضمین بخش «بقای اصلح» به شمار می‌رود. به همین دلیل اسپنسر مخالف برنامه‌های رفاه اجتماعی است و آن را برای جامعه مضر می‌داند زیرا به‌زعم وی انتقال ثروت از تواناترین افراد به ضعیف‌ترین افراد است (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۳۲).

اجتماعی حامی چندان در میان جامعه‌شناسان ندارد ولی بسیاری از جمله سیاستمداران، چنین طرز فکری دارند.

مکتب شیکاگو:

مسئله اجتماعی به مثابه اختلال دومین نوع نظریه کارکردی ساختاری که اغلب مکتب شیکاگو خوانده می‌شود؛ زیرا از دانشگاه شیکاگو برخاسته که محل اولین گروه جامعه‌شناسی در آمریکا است. مسائل اجتماعی را نه به افراد بلکه به اختلال «اجتماعی نسبت می‌دهد (orig ۱۹۲۱، Burge & Pak 1970)

نظریه اختلال اجتماعی معتقد است مسئله درجایی سر برمی‌آورد که جامعه بر اثر تغییرات سریع اجتماعی دچار نابسامانی می‌شود (مشونیس، ترجمه نایی، ۱۳۹۵: صفحه ۳۶).

یک قرن پیش، پیدا کردن شواهد اختلال، ساده بود چراکه شهرهای صنعتی با سرازیر شدن میلیون‌ها مهاجر به سرعت رشد می‌کرد. محلات سنتی و الگوی خانواده هر دو فروپاشید، مدارس از پس جمعیت فراوان بر نمی‌آمد، مسکن مناسب برای همه وجود نداشت و جرم و خلافکاری لگام‌گسیخته می‌نمود (مشونیس، ترجمه ناییبی، ۱۳۹۵: صفحه ۳۶). در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ بسیاری از جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو در برابر چنین مسائلی به اصلاح‌طلب فعال تبدیل‌شدن. این جامعه‌شناسان از اسکان محلی حمایت و برای تدریس زبان انگلیسی به مهاجران برنامه تهیه (Fais، ۱۹۹۷) می‌کردند و در موارد معدودی به‌سوی زمامداری خیز برداشتند.

۲-۱-۴-۱- کارکردگرایی متأخرتر: مسئله اجتماعی به‌مثابه کژ کارد

در ۱۹۵۰ تأکید رویکرد ساختاری کارکردی از مبارزه و فعال‌گرایی به تحلیل علمی معطوف شد. بدین ترتیب جامعه‌شناسان رفته‌رفته هم به مطالعه کارکردهای مثبت (به کارکرد) با الگوهایی مانند ورزش پرداختند که بیانگر کارکردهای مطلوب و مورد تصدیق عمومی است (کارکرد آشکار) و هم به مطالعه کارکردهای دیگری که ناخواسته است و چندان معلوم نیست (کارکرد پنهان). کارکرد آشکار ورزش، بهبود انطباق بدنی و کارکرد پنهان آن تقویت ارزش‌های فرهنگی تلاش فردی و پیشرفت شخصی است (مشونیس، ترجمه ناییبی، ۱۳۹۵: صفحه ۳۶). جامعه‌شناسان خاطرنشان می‌سازند الگوهای اجتماعی، کارکردهای منفی نیز دارند که کژ کارکرد نامیده می‌شوند. به‌عنوان مثال یکی از کژ کارکردهای ورزش در دانشگاه این است که هزاران دانشجو را از مطالعه بازمی‌دارد. با این دیدگاه، مسائل اجتماعی را می‌توان کر کارکردهای الگوهای اجتماعی به شمار آورد (مشونیس، ترجمه ناییبی، ۱۳۹۵: صفحه ۳۷). همچنین این جامعه‌شناسان خاطرنشان می‌کنند، درست همان‌طور که چیزهای خوبی چون ورزش ممکن است عواقب بدی هم داشته باشد، چیزهای بد هم چه با پیامدهای خوبی داشته باشند. فی‌المثل حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به قیمت جان هزاران نفر تمام شد ولی باعث وحدت مردم کشور در پشتیبانی از جنگ علیه تروریسم نیز شد. به همین سان، نتیجه خوبی که از بحران اقتصادی اخیر به دست می‌آید این یادآوری به مردم است که اکثر انسان‌ها می‌توانند با وضع مالی بد نیز سر کنند (مشونیس، ترجمه ناییبی، ۱۳۹۵: صفحه ۳۷).

۲-۲-۴-۲- نظریه یادگیری: مسائل و محیط اجتماعی

چرا نوجوانان بک محله بیش از محله‌ای دیگر مسئله‌ساز می‌شوند؟ نظریه یادگیری می‌گوید انسان رفتار و نگرش مسئله‌آفرین را از اطرافیان خویش می‌آموزد. موضوع این است که هیچ‌کس بر آن نمی‌شود که سارق یا شیاد وال‌استریت یا معتاد با آلاینده صنعتی شود بلکه رفته‌رفته این شگردها و نگرش‌ها را از دیگران می‌آموزد. نانت دوب (Davis، ۱۹۸۰-۲۰۰۰) با رویکرد یادگیری به مطالعه سی‌زن که کارشان روسپیگری است می‌پردازد و در مصاحبه با آنان می‌بیند، هیچ کدامشان بر آن نبودند که تن‌فروش شوند. دلایل متعددی زنی را بدین کار می‌کشد، مثلاً راهی برای کنار آمدن با تنهایی با وسیله امرامعاش به‌هرروی این زنان کم‌کم به روسپیگری کشیده شده بودند و سال‌ها طول کشیده است تا شگردها، هنجارها و نگرش‌های کارگر جنسی حرفه‌ای را بیاموزند. خلاصه اینان چنین نقشی را در زمانی اندک می‌آموزند و سرانجام به نقطه‌ای می‌رسند که این نقش، وسیله امرامعاششان و نیز جزئی از هویت اجتماعی‌شان می‌شود (مشونیس، ترجمه ناییبی، ۱۳۹۵: صفحه ۴۱).

۲-۴-۳- نظریه یادگیری: مسائل و تعریف‌های اجتماعی

رویکرد تعامل نمادین، تعبیر اجتماعی مردم از واقعیت را هم کند و کار می‌کند، نظریه یادگیری می‌گوید واقعیت هر وضعیت خاص، متکی است بر تعریفی که مردم از آن دارند. فی‌المثل چه با مصرف دسته‌جمعی مشروب را که جوانان، خوشگذرانی معمولی به شمار آورند، مسئولان دانشگاه می‌خورگی و لهو و لعب خطرناک قلمداد کنند (مشونیس، ترجمه نابیی، ۱۳۹۵: صفحه ۴۲). تمایز بین می‌خواره اجتماعی، و می‌خواره مسئله‌ساز اغلب متکی است به این‌که ناظر چه کسی است (نگرش والدین به می‌خورگی مانند نگرش دوستان است؟) و کنشگر کیست می‌خورگی مرد و زن را یکی می‌بینیم؟) و کنش در چه زمانی رخ می‌دهد (می‌خورگی در یکشنبه شب پذیرفته تر از یکشنبه صبح است؟). پیدا است در تعریف مردم از وضعیت معین عوامل فراوانی در میان است (مشونیس، ترجمه نابیی، ۱۳۹۵: صفحه ۴۲).

۲-۴-۴- نظریه‌های زیست‌شناختی

نظریه‌های زیست‌شناختی در پی پیشرفت علم و گرایش به تبیین اعمال و رفتار انسان به طرق علمی و اثباتی ظهور یافتند. این نوع نظریات که دارای سنت فکری کلاسیک مبتنی بر اراده‌گرایی و قرارداد اجتماعی بود، فرد را به‌عنوان عامل مهم کج‌رفتاری و انحرافات قلمداد می‌کردند و نارسایی‌های زیستی و فیزیکی ناشی از وراثت و عوامل ژنتیک را به‌عنوان متغیرهای اصلی در تبیین‌هایشان مدنظر قرار می‌دادند. آن‌ها با مطالعه مجرمان، وجود ویژگی‌های زیستی مشترکی را در آن‌ها تشخیص داده، براساس مشاهدات خود نظریات زیست‌شناختی را بیان نمودند. از جمله مهم‌ترین این گروه نظرات می‌توان به نظریات صفات نهفته از جمله نظرات لمبروزو (ممتاز: ۱۳۸۱: ۳۷) (پیناتل، ۱۳۴۵: ۲۶؛ Siegel, ۲۰۰۱: ۷؛ ستوده، ۱۳۸۴: ۹۲، وایت و هنیز، ۱۳۸۲: ۱۱۳) شلدون (سلیمی، ۱۳۸۰: ۳۸۸، گسن، ۱۳۷۴: ۱۶۰، دانش، ۱۳۶۶: ۷۹، کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۵۱۷) نظریات صفات ارثی (دانش، ۱۳۶۶: ۵۰ - ۵۱) نظریه کروموزوم (ممتاز: ۱۳۸۱: ۴۲) وایت و هینز، ۱۳۸۳: ۱۱۴ - ۱۱۵) اشاره کرد.

۲-۴-۵- نظریه‌های روان‌شناختی

نظریه‌های روان‌شناختی در پی تحلیل علل و عوامل انحراف و رفتارهای مجرمانه براساس متغیرهای روانی و شخصیتی افراد هستند. این نوع نظریات بر این فرض مبتنی‌اند که نارسایی‌های روانی یا عیوب و مشکلات شخصیتی عامل ارتکاب افراد به جرمند. این دسته تبیین‌ها نیز مانند تبیین‌های زیست‌شناختی قصد دارند تا به شیوه‌ای اثباتی و علمی به کشف علل و عوامل انحراف در افراد بپردازند. آن‌ها در توضیح علل کج‌روی به نقش جامعه و ساختارهای اجتماعی توجهی ندارند بلکه انسان‌ها را در سطح خرد و نوع نگاه، تفکر و ادراک آن‌ها نسبت به رفتارهای خود مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهند.

۲-۴-۶- نظریه‌های جامعه‌شناختی

این دسته از رویکردهای نظری، به نقش جامعه و شرایط اجتماعی - فرهنگی در شکل‌گیری رفتارهای انحرافی توجه می‌نمایند. تأکید این نظریات بر چگونگی شکل‌گیری این نوع کژرفتاری‌ها در وضعیت‌های متفاوت اجتماعی و شیوه‌ها و مکانیسم‌هایی است که جامعه به‌واسطه آن‌ها افراد را به سمت استفاده از رفتارهای کج‌روانه و بزهکارانه در رسیدن به خواسته‌های خود سوق می‌دهد. آگوست کنت از بنیانگذاران جامعه‌شناسی به تأثیر عوامل اجتماعی در ارتکاب جرم توجه داشت و تفکرات او منجر به پایه‌گذاری سبک‌های مختلفی گردیده است که با عناوین متفاوت، بزهکاری را یک پدیده اجتماعی دانسته و تأثیر اجتماع را در ارتکاب جرم تأیید کرده‌اند (دانش، ۱۳۶۶: ۲۳۰).

۲-۵- منابع و عناصر تحلیل مسائل اجتماعی

مسائل اجتماعی جامعه پدیده‌های اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و یا الگوهای کنش‌هایی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی وضعیت موجود وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب‌های آن‌ها می‌شود. این پدیده‌ها معمولاً به‌وسیله اندیشمندان اجتماعی به‌عنوان موانع توسعه (نظیر آلودگی محیط‌زیست) و آثار و تبعات عقب‌ماندگی (نظیر بی‌سودای و خشونت) در مورد شناسایی و ارزیابی قرار می‌گیرند. مسائل اجتماعی به‌عنوان پدیده‌های نامطلوب‌شان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌دارند به‌طوری‌که نوعی و نق‌آمدگی جمعی برای مهارت آن‌ها پدید می‌آید که مقامات رسمی کشور را به چارچوب جوی و اقدام عملی در جهت اصلاح و یا رفع ویژگی از آن‌ها وامی‌دارد. (انجمن جامعه‌شناسان ایران ۱۳۸۳: ۱۲).

با توجه به اینکه توسعه و بهبود حیات اجتماعی انسان دارای درجه ارزشی-هنجاری (یعنی اهداف و کمالات مطلوب‌ها) و اثباتی-واقعی (یعنی مقدرات و محدودیت‌های موجود بر سر راه رسیدن به اهداف) است، لذا شناخت مسائل اجتماعی موکول به شناخت این درجه است. اهداف توسعه را می‌توان به دودست خاص و آم تقسیم نمود. اهداف خاص مرتبط با ارزش‌های خاص هستند که برحسب هر یک از واحدهای اجتماعی نظیر گروه، قشر، طبقه، قوم، شهر، روستا، نظام اجتماعی و جامعه تغییر می‌یابند. ولی اهداف آن منبعث از ارزش‌های آن و فراگیر چون دانایی و خردگرایی، صداقت و راست‌گویی، آزادی و مردم‌سالاری، عدالت و مساوات‌طلبی، بهره‌برداری بهینه از منابع در جهت پاسخگویی به نیازهای مردم و شکوفایی استعداد‌های آنان و نظایر آن هستند چه در بین همه واحدهای اجتماعی کمابیش مشترک‌اند و شاخص‌های عام توسعه را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه نوع موانع توسعه در هر جامعه بستگی به نوع افت اهداف خاص و عام توسعه در آن جامعه دارد لذا می‌توان گفت که در هر جامعه‌ای با مسائل خاص و عام پدیده سروکار داریم که شناخت آن‌ها موکول به شناخت نظام ارزش‌ها و اهداف توسعه و موانع تحقق و عوامل تهدیدکننده آن‌هاست. (انجمن جامعه‌شناسان ایران ۱۳۸۳: ۱۳)

۱- مسائل اجتماعی دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

مسائل اجتماعی دارای ویژگی‌های عدیده‌ای هستند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

الف. اجتماعی بودن و عمومی بودن: مسائل اجتماعی پدیده‌های اجتماعی‌اند. این پدیده‌ها محصول حیات اجتماعی انسان‌ها در قالب واحدهای اجتماعی مشخص چون گروه، قشر، طبقه، ایل، روستا، شهر، جامعه و نظایر آن هستند.

با توجه به اینکه در آن عالم واقع هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که با مسائل اجتماعی ایران اجتماعی روبرو نباشد، لذا می‌توان گفت که مسائل اجتماعی و دیده‌های عمومی هستند که در همه جوامع با چرم و کیف ای متفاوت وجود دارند (واندر زانن، ۱۹۹۰: ۱۲۱).

۱. جمعی و غیر فردی بودن: مسائل اجتماعی و دیده‌های جمعیت‌اند نفر دید. موانعی هستند که بر سر راه توسعه واحد اجتماعی مشخصی قرار می‌گیرند، و یا پیامدها و عوارضی هستند که ارزش‌ها و کمال مطلوب‌های اکثریت اعضای آن واحد جمعی را تهدید می‌کنند.

۲. تاریخی بودن: اغلب مسائل اجتماعی در یک فرایند تاریخی مشخص پدید می‌آید؛ بنابراین ابتدا به ساکن نیستند. به همین دلیل محققان برای شناخت دقیق آن‌ها نیازمند بینش و روشی تاریخی‌اند. (انجمن جامعه‌شناسان ایران ۱۳۸۳: ۱۴).

۳. واقعی بودن: مسائل اجتماعی پدیده‌ای واقعی و قابل تجربه به معنای عام کلمه هستند. اصطلاح مسئله یابی هم مبتنی بر پیش‌فرض واقعی بودن مسائل اجتماعی است. در مسئله یابی محقق، مسائل اجتماعی موجود را درمی‌یابد، ولی در مسئله آفرینی چیزی که مسئله نیستند تبدیل به مسئله می‌شوند. حکایت آن کسی است که می‌گفت برای رفع خستگی می‌خواهد به فلان شهر سفر کند. وقتی از وی سؤال شد شما چه خسته نیستید در پاسخ گفت وقتی به آنجا برسم خسته خواهم شد! (انجمن جامعه‌شناسان ایران ۱۳۸۳: ۱۴).

۴. بعد کیفی و ربط ارزشی داشتن مسائل اجتماعی: مسائل اجتماعی چون با اهداف و کمال مطلوب‌های افراد مرتبط‌اند دارای بعد چربی و ربط ارزشی‌اند؛ یعنی آن‌ها را مغایر با اصول و قواعد زندگی و تهدیدکننده ارزش‌های خود می‌داند تا آنجایی که برخی محققان مثل هوا را بکر به چه آن‌ها را تعارف ذهنی از شرایط عینی می‌دادند (بکر، ۱۹۶۶: ۱-۲). به همین دلیل رجوع محقق به افراد واحد اجتماعی ذی‌ربط ضروری است. معمولاً دولت‌ها و طبقات اجتماعی مسلط سعی دارند عوامل تهدیدکننده منافع خود را به‌عنوان مسائل مردم معرفی نمایند. این امر نوعی عوام‌فریبی است و با طرح مسئله به معنی حقیقی کلمه چه شرایط و استلزامات آن ذکر شد فرق دارد.

مسائل اجتماعی چون ارزش‌ها و کمال مطلوب‌های بخش قابل‌توجهی از مردم جامعه را تهدید می‌کنند، نامطلوب‌اند هرچند ممکن است برای گروه خاصی در داخل جامعه مطلوب باشند. وقتی واحد تحلیل جامعه اصل مغایرت مسائل اجتماعی با مصالح جمعی عام ملت در نظر گرفته می‌شود نه یک گروه یا قشر و یا قوم خاص. گاهی میزان مغایرت برخی پدیده‌ها با ارزش‌ها، به‌ویژه ارزش‌های اخلاقی و یا قواعد و قوانین عرفی و رسمی به حدی است که تحت عنوان مسائل ویژه یا آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. اعتیاد، سرقت، خشونت علیه خود و غیره (خودکشی و دیگر کشتی) باز مکاری و انحرافات اخلاقی از این زمره‌اند. هرچند عنوان آسیب یا بیماری راه فرهنگ با ژان علوم اجتماعی کرده‌اند ولی امروز اصطلاح آسیب‌های اجتماعی برای آن دسته از مسائل اجتماعی که دارای منع قانونی و قبح اجتماعی و اخلاقی‌اند به‌کاربرده می‌شود. (انجمن جامعه‌شناسان ایران ۱۳۸۳: ۱۵).

5. متغیر و نسبی بودن: مسائل اجتماعی برحسب زمان و مکان تغییر می‌یابند. مسائل امروزی جامعه ما با مسائل گذشته و آینده متفاوت‌اند معمولاً هرچه از واحدهای اجتماعی بزرگ‌تر به‌طرف واحدهای اجتماعی کوچک‌تر حرکت کنیم از مسائل عام به مسائل خاص هر واحد اجتماعی یا مسائل خورد نظام‌ها و خرده‌فرهنگ‌های درون آن واحد اجتماعی می‌رسیم که خواست تر و نسبی تراند. (انجمن جامعه‌شناسان ایران ۱۳۸۳: ۱۵).

6. تنوع و تکثر مسائل اجتماعی: مسائل اجتماعی هم در درون هر جامعه و هم در بین جوامع، بسیار متنوع و مد متکثرند. مثلاً در جامعه ایران امروزی با مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی متعدد و متنوعی روبرو هستیم که هر دسته از آن‌ها را می‌توان به دسته‌های کوچک‌تری تقسیم کرد. مثلاً مسائل فرهنگی به مسائل دینی، هنری و علمی قابل‌تقسیم است. (انجمن جامعه‌شناسان ایران ۱۳۸۳: ۱۶).

7. قانونمند بودن مسائل اجتماعی: باوجود ربط ارزشی و متغیر و نسبی بودن مسائل اجتماعی تنوع و تکثر آن‌ها، پدیده‌های قانونمند هستند که تحت شرایط و مقتضیات اجتماعی و تاریخی خاص پدید می‌آیند و تغییر و تحول پیدا می‌کنند. (انجمن جامعه‌شناسان ایران ۱۳۸۳: ۱۶)

8. کثیر الا بعد بودن و بین‌رشته‌ای بودن مسائل اجتماعی: مسائل اجتماعی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی در سطوح خرد و کلان ریشه‌دارند. مثلاً اعتیاد به‌عنوان مسئله‌ای استماع ای ریشه‌های عمیقی در فرهنگ، اجتماع، سیاست، اقتصاد، نظام شخصیتی افراد و حتی نظام جهانی دارد؛ بنابراین شناخت همه‌جانبه و ارائه راه‌حل‌های جامع آن موکول به همفکری و همکاری و همسویی احزاب تخصص رشته‌های علوم اجتماعی و مسئولان و کارشناسان نهادهای مختلف ذی‌ربط است. (انجمن جامعه‌شناسان ایران ۱۳۸۳: ۱۶).

9. قابل‌کنترل بودن مسائل اجتماعی: مسائل اجتماعی قابل‌اصلاح، رفع و پیشگیری‌اند، ولی هرگونه دخل و تصرف در آن موکول به شناخت ریشه‌های آن‌ها در همه ابعاد واحد اجتماعی ذی‌ربط است. یافته‌های علمی باید در قالب برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به کار گرفته شود و نتایج عملکرد آن برنامه‌ها نیز مورد ارزشیابی علمی قرار گیرد تا با تداوم تعاملات بین اصحاب اندیشه، مردم و مسئولان زمینه‌های نهادند مناسبی برای اصلاح، رفع یا پیشگیری از مسائل اجتماعی پدید آید. برخی مسائل اجتماعی ذاتی نظام اجتماعی قالب جامعه هستند و بنابراین ممکن است در قالب نظام اجتماعی موجود قابل‌حل نباشند. در این صورت خود نظام موجود مانع اصلی تحول و تکامل و عمده در این مسئله اجتماعی جامعه محسوب می‌شود. مسائل اجتماعی ایران متعدد و متنوعی روبه‌رو هستند که هر دسته از آن‌ها را می‌توان به دسته‌های کوچک‌تری تقسیم کرد. مثلاً مسائل فرهنگی به مسائل دینی، هنری و علمی قابل‌تقسیم است. (انجمن جامعه‌شناسان ایران ۱۳۸۳: ۱۷).

۲-۶- عوامل و زمینه‌های بروز مسائل اجتماعی

۲-۶-۱- آسیب‌شناسی

تنوع درک آسیب‌ها و تفسیر علل و گستردگی آن‌ها، چه به‌صورت تخصصی و چه به‌صورت عمومی و غیرتخصصی، ایجاب می‌کند که معیار و ملاک آسیب‌شناسی، ضمن بهره‌مندی از چارچوبی مشخص، قابلیت انعطاف و هماهنگی با تحولات نظام اجتماعی را دارا باشد. با این توضیح که بتوانیم با در نظر داشتن یک چارچوب کلی، در هر زمانی، شاخصه‌های متناسب با همان دوره را استخراج کرده و

آسیب‌شناسی را با استناد به آن‌ها انجام دهیم. آنچه به صورت عام می‌تواند برای هر نظامی به عنوان چارچوبی کلی در نظر گرفته شود، «مطلوبیت» است. دایره مطلوبیت می‌تواند وسیع و یا محدود باشد. البته این موضوع بستگی به توانایی‌ها و دورنمایی دارد که هر نظام اجتماعی - سیاسی برای خود در نظر می‌گیرد. در مجموع باید اشاره داشت که آسیب‌ها الزاماً جنبه عینی نداشته، بلکه می‌تواند به صورت ذهنی نیز وجود داشته باشد مانند احساس وجود یا عدم وجود عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، قدرت ملی، پرستیژ بین‌المللی، در واقع نوع نظام ادراکی موجود در اذهان است که معین می‌کند یک واقعه چگونه فهمیده می‌شود و متناسب با آن کنش‌های اجتماعی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، آنچه برای یک فرد یا ملتی مثبت و در راستای برآوردن نیازها و دسترسی به اهداف تلقی می‌شود، ممکن است برای دیگران معنای متفاوتی داشته باشد. این موضوع نشان می‌دهد آسیب‌شناسی تا چه حد دشوار و بر پایه‌های لرزانی استوار است. همچنان ذائقه‌های زیستی قابل تغییرند، نگرش‌ها و امیال انسانی هم تغییرپذیرند و می‌توان با القای سطحی‌نگری و ظاهر بینی و یا ترویج انتقادپذیری و تأمل در مسائل فردی و جمعی، حیات اجتماعی را به اضمحلال و یا شکوفایی سوق داد.

۲-۶-۲- معیارهای آسیب‌شناسی مسائل آینده اجتماعی

مسئله شناخت آینده مسائل اجتماعی و آسیب‌های آن در قلمرو آینده‌پژوهی است و مسئله‌شناسی تابع چارچوب‌ها، ضوابط و قواعد علمی است که مبانی و اصول معرفتی آن ریشه در تجربه اندیشه‌ورزی انسان دارد و انعکاس این تجارب و تلاش‌های علمی در مکاتب فکری جمع‌آوری خواهد شد. خصلت آینده‌پژوهی یعنی پژوهش درباره آینده به بدیع و خاص بودن قلمرو آن اذعان دارد. در واقع، مسئله‌شناسی حول آینده‌های محتمل، آینده‌پژوهان را وامی‌دارد تا به شناخت عوامل شکل‌گیری آن دسته از مسائلی بپردازند که منجر به ایجاد تغییرات اثرگذار نسبت به آیندگان خواهند شد تا فرایندهای پویایی را که نظم‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی را دگرگون می‌کنند، شناسایی کنند. در واقع تعیین اهداف و ارزش‌ها، شناسایی روندها و توصیف شرایط و ترسیم تصاویری از آینده مسائل اجتماعی، ویژگی اقدام آینده‌پژوهانه است (عیوضی، ۱۳۹۱، ص ۲۰). تهیه و تنظیم قواعدی برای تحولاتی که در آینده اتفاق می‌افتد و بر اساس آینده‌پژوهی قابل پیش‌بینی هستند، شناخت و درک صحیح از مسائل نوظهور و جدید و نحوه برخورد و یا مقابله با آن‌ها، انجام برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه‌مدت و پیشگیری از نتایج زیانبار رویدادهای پیش‌بینی نشده، پرهیز از گام نهادن در محیط پر خطر و ناشناخته آینده، پذیرش و درک اهمیت ایده‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت گذشته و حال در خلق و ایجاد آینده، تحلیل روندهای گذشته و حال به منظور شناخت مسائل بازدارنده و تجربه‌های منفی که تهدیدی برای تحولات آینده محسوب می‌شود، و پدید آوردن نگرشی سیستماتیک، منظم و منطقی به تحولات آینده با پشتوانه معرفتی و خاستگاه هستی‌شناسی از جمله اهداف مطالعات آینده‌پژوهی به‌شمار می‌روند (دیتور، ۱۹۹۶). دینداران در آموزه‌های دینی خود مکلف شده‌اند که به آینده توجه جدی داشته باشند. توجه به سرنوشت و تصمیم‌گیری در قبال آن از آموزه‌های مهم دینی است. فراتر از آن معاد و نگاه غایت‌شناسانه در قالب معاد و روز جزا اوج نگاه آینده‌نگرانه است. میل فطری انسان به آینده نیز از دیرباز مطرح بوده و انسان همواره در فکر سرنوشت و مواجهه با آینده بوده است. اصولاً ادیان و حتی سازوکارهای بشری چون سحر و جادو و مانند آن نیز در راستای پاسخگویی به همین میل به وجود آمده‌اند و هر یک راهکارهای ویژه خود را برای حل مسائل بشری داشته است (عیوضی، ۱۳۸۸ الف، ص ۵).

در منابع و مبانی نظری دین، اصول و قواعد متقنی وجود دارد که پشتوانه علمی مطالعات آینده محسوب شده و نسبت تلازمی بین آینده‌پژوهی و دین پژوهی را نشان می‌دهد. در واقع، مطالعات دینی با رویکرد آینده‌پژوهی شرایط و امکان شناخت تحولات پیش روی جامعه را به شکل عمیق‌تری فراهم کرده و چشم‌انداز رسیدن به آینده مطلوب جامعه را ترسیم می‌کند.

جامعه و مسئله اجتماعی هم‌زادند و نمی‌توان جامعه‌ای را تصور نمود که فارغ از هرگونه مسئله اجتماعی باشد. ضرورت زندگی اجتماعی از یک سو و پیچیدگی آن از سوی دیگر، موجب می‌شوند که نتوان شناخت درستی در مورد مسائل اجتماعی به دست آورده تا راه‌حل کاملاً صحیحی برای آن ارائه کرد. در نتیجه، پاسخ‌ها به مسائل اجتماعی، قطعی و دائمی نبوده و جنبه احتمالی و موقتی دارند. لازم به ذکر است که مسئله اجتماعی حکایت از حیات و تکاپوی فکری و عملی حیات انسانی دارد و به هیچ وجه عاملی منفی نیست که بخواهیم از شر آن رها شویم.

۲-۶-۳- آسیب شناسی آینده مسائل اجتماعی

یکی از ویژگی‌های آینده‌پژوهی قدرت پیش‌بینی مسائل نوظهور اجتماعی است. البته در علوم اجتماعی، مقدمه انجام پیش‌بینی، تبیین است و تبیین خود مبتنی بر ارائه توصیف جامع و کامل از پدیده‌هاست. اهمیت تبیین در آن است که قانون و قاعده زیربنایی را برای پیشگویی در اختیار می‌نهد. وجه تمایز پیش‌بینی و پیشگویی نیز در روشمند بودن و تبیین موضوع در پیش‌بینی می‌باشد. در واقع، معیار پیش‌بینی پدیده‌ها، نیز تابع قواعد و نظریه‌های علمی پذیرفته‌شده‌ای است که به صحت و صدق آن‌ها اطمینان داریم و توانسته‌اند به‌طور مستمر از عهده تفسیر جهان اطراف و به‌طور مشخص پدیده تحت بررسی برآیند. برخی معیارها بر شناسایی آسیب‌ها با تأکید بر آسیب‌شناسی آینده مسائل اجتماعی در چارچوب ذیل قابل عرضه می‌باشد.

۲-۷-۷- روند شناسی چالش‌های اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

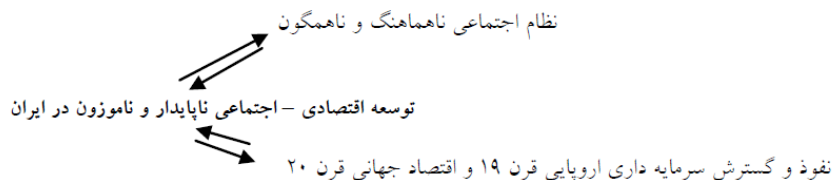
مطابق روندشناسی صورت گرفته برپایه روش پژوهش کیفی (کتابخانه‌ای)، ساخت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، پس از دوران جنگ تحمیلی، مواجه با چالش‌هایی گردیده، که ذیلاً به مهمترین عوامل و روندهای تاثیرگذار بر این حوزه اشاره می‌گردد.

تغییر ارزش‌های جامعه

بنا به گفته دکتر رفیع پور، جامعه ایران در بعد از سال ۱۳۶۸ و پایان جنگ، دچار یک نوع تغییر ارزشی، منبئ بر کاهش پایبندی مردم به نمادهای مذهبی و همچنین تمایل به ثروت‌اندوزی و غلبه ارزش‌های مادی گردیده است. (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۱۶۹). از یک‌طرف میزان تمایل مردم به دین و روحانیت و سمبل‌های مذهبی (مانند حجاب) کاهش و از طرف دیگر تمایل آن‌ها به مادیات افزایش یافته است. بنا براین جامعه ما دچار یک نوع تضاد بین ارزش‌های مادی و ارزش‌های مذهبی گردید. چنانکه ماکس وبر، نیز قبلاً بر آن تأکید کرده است. هر چه در یک جامعه ارزش‌های مادی بیشتر گستر یابد، میزان پایبندی‌های مذهبی - اعتقادی مردم کاهش می‌یابد. (ژولین، ۱۳۶۸: ۱۹۲).

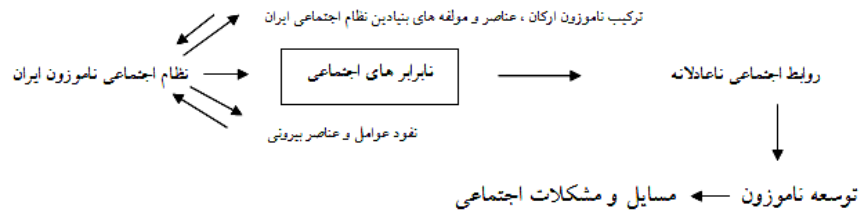
۲-۷-۱- روابط اجتماعی ناعادلانه ناشی از توسعه اقتصادی اجتماعی ناپایدار و ناموون

سیف‌اللهی تأکید می‌نماید که روابط اجتماعی در ایران، روابط اجتماعی ناعادلانه است. این جریان در دهه اخیر منجر به تعمیق و گستر چالش‌های اجتماعی مانند فقر، بای سواد، بیکاری، افسردگی، بی‌اعتمادی، اعتیاد، طلاق ناهنجارهای و بزهکاری شده است. به گفته ایشان، منشأ شکل‌گیری و گستر روابط اجتماعی ناعادلانه در جامعه ایران در ماهیت و ترکیب ساختاری عناصر و مؤلفه‌های بنیادین جامعه ایران نهفته است. درواقع عناصر بنیادین جامعه ایران به خاطر ناموزونی درونی خود از یک‌سو و ترکیب ناهمگون و غیر سیستمی از سوی دیگر، موجب شکل‌گیری نوعی از نظام سیاسی اجتماعی شده است؛ که زمینه‌ساز ناسازگاری، تنش، کج‌رفتاری، و بالاخره چالش‌های گوناگون شده است. نمودار زیر را می‌توان در این خصوص بیان نمود.



۲-۷-۲- فرایند توسعه اقتصادی اجتماعی ناپایدار و ناموزون در ایران

با توجه به توضیحات قیدشده فرایند شکل‌گیری چالش‌های اجتماعی ایران را می‌توان در نمودار ذیل نشان داد.



رفیع پور، پیامدهای نابرابری درآمدی در جامعه ایران را در دو مؤلفه؛ انحرافات و فساد اجتماعی و هنجار شدن کارهای نامشروع بیان می‌نماید. (همان، ۹۰).

۲-۷-۳- ضعف کارکرد دین در جامعه

اگر اعتقادات مذهبی اعضای یک جامعه رو به سستی بگذارد و در آن حاد کاهش یابد که عده زیادی از اعضای آن جامعه دلیلی برای کنترل خود و پرهیز از گناه نبینند و یاد کارهایی لاف را گناه و نامشروع نپندارند در آن صورت آن جامعه به‌طور جدی با خطر انهدام روبرو است و به‌عبارت‌دیگر ضعف کارکرد دین در جامعه خطری خانمان برانداز است. بنا بر این کارکرد دین برای انتظام یک نظام اجتماعی بسیار مهم است. به عبارت دیگر مای تاوان گفت، «ایمان سیمان اجتماعی است». (رفیع پور، ۱۳۷۹).

این در حالی است که در جامعه ایران هم‌اکنون بهره‌گیری از نمادهای و الگوهای دینی، مانند شرکت در نماز جماعت مساجد، شرکت در نماز جمعه، توجه به حجاب و عفاف و... در جامعه دچار استحاله‌هایی گردیده، گاه ایان خود موجب رشد برخی از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی در جامعه گردیده است.

۲-۷-۴- نامتناسب و نامتوازن بودن وضعیت تحصیلات در ایران

منبع تحولی در رابطه با جمعیت، تغییر کیفی آن و نقاش ایان تغییر در تحول ارزشی است. افزایش میزان باسوادی و افزایش تعداد تحصیل کنندگان در تمام سطوح تحصیلی باعث گستر ارتباطات فرهنگی ارزشی و آشنا شدن تعداد بیشتری از جمعیت با نظرها و ارزش‌های دیگران شده و نهایتاً باعث تغییر ارزشی می‌شود.



مدل مفهومی رابطه چالش اجتماعی و امنیت اجتماعی

۲-۸- فرستها و چالشهای اجتماعی ایران

۲-۸-۱- نامتناسب و نامتوازن بودن وضعیت تحصیلات در ایران

منبع تحولی در رابطه با جمعیت، تغییر کیفی آن و نقش این تغییر در تحول ارزشی است. افزایش میزان باسوادی و افزایش تعداد تحصیل کنندگان در تمام سطوح تحصیلی باعث گستر ارتباطات فرهنگی-ارزشی و آشنا شدن تعداد بیشتری از جمعیت با نظرها و ارزش‌های دیگران شده و نهایتاً باعث تغییر ارزشی می‌شود. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۸۵، ۱۳۷۵، ۱۳۶۰، ۱۳۵۵ در جمعیت ۶ ساله و بیشتر نرخ باسوادی مردان به ترتیب ۵۸/۸۴، ۹/۸۸، ۷/۸۸، ۷/۴ درصد و میزان باسوادی زنان به ترتیب ۱/۸۰، ۲/۸۱، ۳/۱، ۵۲/۷۴، ۳۵/۵ درصد بوده است. در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۳ تعداد کل دانشجویان کشور بیش از ۴ میلیون ۸۰۲ هزار نفر بوده است که نسبت به سال تحصیلی قبل حدود ۲/۵ درصد افزایش داشته است. (در سال ۸۵ نیاز تعداد کل دانشجویان کشور به میزان ۲۸۲۸۵۲۸ نفر بوده است). از کل دانشجویان، حدود ۲۲/۸ درصد در مقطع کاردانی، حدود ۵۸/۷ درصد در مقطع کارشناسی، حدود ۱۵ درصد در مقطع کارشناسی ارشد، ۳/۵ درصد در مقطع دکترای حرفه‌ای و تخصصی مشغول تحصیل هستند. (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۳: ۶۲۳)

اختلال در کارکرد مشاغل در جامعه (مقام‌پرستی و کاهش انگیزه کار) در این وضعیت امتیازات حاصل از موقعیت‌های اجتماعی از جمله درآمد رسمی، کفای نیازهای دارندگان موقعیت‌های اجتماعی را نمی‌دهد. (بالأخص در موقعیت‌ها و مشاغل پائین) تحت این شرایط هیچ‌کس از آنچه دارد و از آنچه که هست راضی نیست و همواره سعی در تغییر موقعیت و تحرک صعودی یا ارتقاء دارد، یعنی مایل است از یک موقعیت اجتماعی با بار ارزشی کمتر (مقام پایین) به یک موقعیت اجتماعی دیگر با بار ارزشی بیشتر دست یابد. (عیوضی و اینالو، ۱۳۹۷: ۳۰۶)

۲-۸-۲- گسترش بوروکراسی و آشفته‌گی‌های سازمانی و ارتباطی

در نظام اداره یک کشور، هرچه که از قاعده هرم سازمانی و هر نظام به‌طرف بالا و رأس می‌رویم، اهمیت و پیچیدگی مسائل مورد تصمیم‌گیری بیشتر می‌شوند و حل مسائل به قدرت تفکر بیشتری نیاز دارد. لذا در هر هرم کوچک سازمانی از هرم کل جامعه، مسئول هر بخش باید از نظر قدرت تفکر و تخصص، توانایی انجام وظایفش را داشته و کاردان باشد، به‌طوری‌که زبردستان تفوق فکری و مهارت تخصصی وی را بپذیرند. در جمهوری اسلامی ایران، که دارای نظام پیچیده اجتماعی و آشفته‌گی ناشی از آن می‌باشد، مسئولین سازمانی، آن قدر درگیر مسائل جزئی، فرعی و همچنین حل مسائل شخصی می‌نمایند که در نتیجه نتوانند از ظرفیت فکری خود برای حل مسائل استفاده نمایند. (رفیع‌پور، ۱۳۷۹: ۴۷۶)

۲-۸-۳- نابسامانی و فروپاشی خانواده ناشی از طلاق

مطابق آمارهای موجود، در سال ۱۳۹۳ تقریباً ۷۲۴ هزار ازدواج در کشور به ثبت رسانیده است (۶۰۷۳۹۸ مورد در جمعیت شهری و ۱۱۶۹۳۵ مورد در جمعیت روستایی) که نسبت به سال گذشته ۶/۵ درصد کاهش داشته و ۱۲/۲ درصد آن مربوط به ازدواج‌هایی است که در آن زوج و زوجه اختلاف سنی نداشته‌اند. همچنین بیشترین ازدواج‌های ثبت‌شده مربوط به این گروه می‌باشد. این در حالی است که حدود ۱۶۴ هزار طلاق در سال ۱۳۹۳ به ثبت رسیده (۱۴۹۶۴۴ مورد در جمعیت شهری و ۱۳۹۲۵ مورد در جمعیت روستایی) که نسبت به سال قبل، حدود ۵/۳ درصد افزایش داشته است. این در حالی است که از تعداد طلاق ثبت‌شده بالغ بر ۷۰ هزاران در ۴ سال اول زندگی زوجین بروز یافته است (بالغ بر ۴۲ درصد) و بالغ بر ۴۷ هزار مورد طلاق نیز در سال‌های ازدواج ۴ تا ۷ ساله بروز یافته است (بالغ بر ۲۸ درصد). (سالنامه آماری ایران ۱۳۹۳: ۱۷۷).

۲-۸-۴- چالش ناشی از تغییر ترکیب سنی و جنسی جمعیت

مطابق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ماه سال ۱۳۹۰ جمعیت کشور برابر با ۷۵۱۴۹۶۶۹ نفر بوده (۴/۵۰٪ مرد و ۶/۴۹٪ زن) که در مقایسه با سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان ماه سال ۱۳۸۵ متوسط رشد جمعیت معادل ۱/۳ درصد بوده است.

بیشترین جمعیت در سال ۱۳۹۰ متعلق به گروه سنی ۲۹-۲۵ سال به تعداد ۸۶۷۲۶۵۴ نفر (۵/۱۱ درصد جمعیت) بوده است و همچنین بالغ بر ۵۲ درصد جمعیت کشور در رده سنی ۶۴-۲۵ سال بوده و ۲۰ درصد جمعیت در رده سنی ۲۴-۱۵ سال بوده است. در این سال میانگین سنی مردان و زنان ۲۹/۸ سال بود است. همچنین میانگین سنی مردان در اولین ازدواج ۲۶/۷ و زنان ۲۳/۴ سال بوده است. طبق آخرین برآوردهای انجام شده، جمعیت کشور در سال ۷۷،۱۳۹۲ میلیون و ۸۵۶ هزار نفر برآورد شده است که از این تعداد حدود ۴/۵۰ درصد مرد و ۶/۴۹ درصد زن می باشد. (همان، ۱۸۰:۱۲۵).

۲-۸-۵- تغییر ترکیب سکونت شهری - روستایی

در سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۱/۲ میلیون خانوار در کشور وجود داشته که از این تعداد حدود ۸۲/۷۲ درصد در نقاط شهری و ۲/۲۷ درصد در نقاط روستایی ساکن و ۰/۶ درصد غیر ساکن بوده اند. در همین راستا تعداد ۱۱۳۹ شهر (سال ۱۳۸۵ تعداد ۱۰۱۴ شهر) با جمعیت بالغ بر ۵۳ میلیون و ۶۴۶ هزار نفر در شهرهای زندگی می نمایند. این در حالی است که در سال ۱۳۹۰ تعداد روستاهای کشور ۶۱۷۴۸ آبادی بوده (در سال ۱۳۸۵ تعداد آبادی های کشور ۶۳۱۲۵ مورد بوده است) که جمعیتی بالغ بر ۲۱ میلیون و ۱۵۰ هزار نفر در روستاها زندگی می نمایند. (در سال ۱۳۸۵ تعداد جمعیت ساکن در روستاها، بالغ بر ۲۱ میلیون و ۷۷۶ هزار نفر بوده است). مطابق برآورد صورت گرفته در سال ۱۳۹۲، جمعیت ساکن در نقاط شهری ۵۶ میلیون و ۴۰۸ هزار نفر و جمعیت ساکن در نقاط شهری ۲۱ میلیون و ۴۴۸ هزار نفر برآورد شده است. (همان، ۱۸۰:۱۲۵)

۲-۸-۶- کاهش انسجام اجتماعی در جامعه ایران

در فضای پس از پایان جنگ تحمیلی و تحت تأثیر فرایندهای داخلی و بیرونی، جامعه ایران دچار شکافهای مختلفی در حوزه اجتماعی گردیده است که تداوم و تعمیق این وضعیت می تواند کارکرد و ساختار اجتماعی را دچار آسیبهایی نماید. برخی از مؤلفه های کاهش انسجام اجتماعی در جامعه ایران، به صورت ذیل می باشد. (عبوضی و اینالو، ۱۳۹۷: ۳۰۸)

۲-۸-۷- شکاف نسلها

در دوره بعد از انقلاب به نظر می رسد که تحت تأثیر متقابل عوامل خارجی و داخلی به ویژه در دهه اخیر، امکان بروز و تقویت یک شکاف بالقوه نسلی ایجاد گردیده است، که می تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی عمده ای به بار آورد. به نظر می رسد که عدم مفهومی بین نسلی مابین نخبگان فکری و اجرایی نسل سابق و نسل نوظهور و عدم شکل گیری اجماع سراسر بر سر مسائل مهم از علل اساسی بروز شکافهای گذشته و همچنین احتمال شکافهای آینده است. (شعاع کاظمی، ۱۳۹۱: ۲۴۸)

۲-۸-۸- تغییر گروه های مرجع در جامعه ایران

در جامعه ایران، بعد از انقلاب و هنگام جنگ لایه های مختلف جامعه، یک جهش قوی و برگشت به خود و به هویت و سنت مذهبی و اجتماعی خود داشت. اما امروزه بسیاری از شواهد دال بر آن اند که تغییرات اساسی در زمینه گروه مرجع ایرانی ها به وجود آمده است. در برخی از جوانان نوع لباس ها، موسیقی، ارمها و.. حکایات از نگاه بخشی از جوانان به گروه های مرجع خارجی دارد. (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۴۴۲)

۲-۸-۹- شکاف های هویتی در ایران

هویت ایرانی درگذر زمان، دچار تغییرات عمده ای شده است. می توان مدعی شد که هویت ایرانیان از ساختار ساده با محوریت ایرانی بودن بر ساختار ترکیبی و پیچیده با عناصر مدرن - اسلامی و ایرانی با بیان هویت چندگانه و چندوجهی تغییر کرده است. از عوامل این

تحول می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود. نوع بشر که وابسته به شرایط خاص نیست و موقعیت فرا جامعه‌ای یافته است. بحران در نظریات اجتماعی کلاسیک که بر دوگانگی طراحی شده بود، موجب درک جدید از فرهنگی ایرانی در قالب هویت ایرانی شد. موقعیت شاهراهی ایران و حضور در حوادث جهانی درک تاریخی از ایران، عامل عمده در تفسیر هویت ایرانی است. (عیوضی و اینالو، ۱۳۹۷: ۳۰۹).

۲-۸-۱۰- شکاف‌های قومی

فرایند جهانی‌شدن پیوندهای موجود بین دولت و ملت‌ها را تضعیف می‌کند، واقعیت‌های قومی را دوباره احیا می‌کند و حتی امکان تشکیل دولت‌ها را با تکیه بر هویت‌های پراکنده و قومی یا برعکس در ورای هویت‌های فراهم می‌سازند. که این مسئله برای ایران از آن لحاظ که کنفدراسیونی از اقلیت‌هاست اهمیت پیدا می‌کند چنانچه تصور کنیم پویای منطقه‌ای و جهانی خارج از کنترل و قدرت دولت‌ها و از جمله جمهوری اسلامی ایران شکل گیرد و از سوی دیگر فشارهای اقتصادی و سیاسی افزایش یابد این مسئله می‌تواند به نوعی برای امنیت جهانی جمهوری اسلامی ایران ایجاد خطر نماید. چراکه این فشارها تحت تأثیر نیروهای جهانی می‌توانند به سرعت تبدیل به ناآرامی‌های سیاسی شوند و نهایتاً تجزیه ملی را به همراه داشته باشند. بنابراین از تهدیدهایی مهمی که جهانی‌شدن برای ایران می‌تواند داشته باشد تهدیدات قومی و هویتی است. (مردانی‌گیوی ۱۳۸۱: ۱۱۱)

۲-۹- چالش‌های اجتماعی ایران ناشی از فرایند جهانی‌شدن

جهانی‌شدن بر مؤلفه‌های مختلف ساخت اجتماعی اثر می‌گذارد که ذیلاً به برخی از عناصر و مؤلفه‌های تأثیرپذیر حوزه اجتماعی ایران اشاره می‌گردد. (عیوضی و اینالو، ۱۳۹۷: ۳۱۰)

۲-۹-۱- چالش گفتمانی و معرفت‌شناختی

از تعارض‌های معرفت‌شناسانه میان جهانی‌شدن و انقلاب اسلامی را باید در عرصه ذهن جستجو کرد. جهانی‌شدن از طریق درهم‌فشرده‌گی زمان و مکان موجب شده است که فاصله‌های زمانی و مکانی چندان به چشم نیایند، روابط اجتماعی جنبه سیال به خود بگیرند و نوعی خودآگاهی نسبت به جهان به عنوان یک مکان واحد شکل بگیرد. در چنین چشم‌اندازی معانی جدید از انسان سرترمی آورند که با مفاهیم سنتی و حتی مدرن هم خوانی ندارند. و از این رو هویت شفاف پیشین خود را به هویتی سیال، کد رو چندجانبه واگذاشته است. (پورااحمدی، ۱۳۸۶: ۵۹) این در حالی است که در گفتمان انقلاب اسلامی انسان با هویت شفاف ره به دیاری مألوف می‌سپارد. اسلام به مشابه یک فراگفتمان اصل و هدف وجودی وی را شکل می‌دهد و جامعه‌ای رامی سازد که در آن مناسبات فردی و اجتماعی بر پایه اصولی چون ایمان، فداکاری، شهادت و این بار شکل می‌گیرد. بار به عنوان سر جامعه هدایت آن را به سوی اهل بر عهده دارد. بر اساس چنین فهمی از جامعه و فرد، حقیقت واحد فراتر از اندیشه آدمی وجود دارد و برای رسیدن به این حقیقت واحد همیشه نبردی میان: مانو دیگران و جود دارد (ویور ۱۹۹۵: ۳۰)

۲-۹-۱-۱- ترویج سکولاریسم در مبانی ارزشی جامعه

باور و افکار و اندیشه‌های مدرنیته به ایران، مسئله سکولاریسم نیز به تدریج در ایران رواج یافت و در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی مطرح شد (۱۳۸۲: ۳۳) از طرفی در گذر جامعه سنتی ایران به مدرنیزاسیون اقداماتی در جهات دین زدایی و تبدیل فرهنگ سنتی به فرهنگ مدرن صورت گرفت، در این مرحله از ها، باورها و تلقی مردم از دین و سنت با ورود مصنوعات فرهنگی و افکار وارث غربی به چالش طلییده شد و حرکت به سمت مدرنیزاسیون با تقلیل نقش دین و سنت و به حاشیه راندن آن تلقی گشت و مقاومت‌هایی را ایجاد کرد. پس از انقلاب با حاکمیت اسلام در مبانی حکومتی کشور، روند مزاحم سکولاریسم با بنیان‌های نظام تشدید گردیده و با

عنایت به رویکرد جهانی شدن در راستای ترویج سکولاریسم، چالش‌های بنیادینی در جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سکولاریسم و فرهنگ اندیشه‌ای جهانی وجود خواهد داشت.. (عیوضی و اینالو، ۱۳۹۷: ۳۱۱)

۲-۹-۱-۲- ظهور و بروز جنبش‌های نوین اجتماعی

فرایند جهانی شدن نقش مهمی در ایجاد رویکردهای نوین تشکیل و فعالیت جنبش‌ها داشته زیر اول جهانی شدن یک نوع همسازی درونی ملی را در اعتراض جمعی از طریق اشاعه‌ی فرهنگ اعتراض ایجاد می‌کند. ثانیه در ارتباطات بین‌المللی، ظرفیت جنبش‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. ثالثاً خرده هویت‌ها و جنبش‌های اجتماعی فرو ملی در یک بازی همه‌جانبه دخیل می‌شوند (۱۳۸۲: ۶۵۰) با این اوصاف به نظر می‌رسد در نتیجه تأثیرات جهانی شدن با دو نوع جنبش اجتماعی در جامعه ایران مواجه خواهیم بود، یکی جنبش‌های مقاومت و دیگری جنبش‌های انطباق که متأثر از اشاعه‌ی کردارها، ارزش‌ها، فناوری و دیگر محصولات جهانی در جامعه ایران است (زارعی ۱۳۵: ۱۳۹۳)

۲-۹-۱-۳- بروز شکاف‌های اقتصادی- اجتماعی

به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، جهانی شدن اقتصاد سبب گستر فقر و بیکاری و تنزل جایگاه اجتماعی بخش وسیعی از مردم در کشورهای فقیر و حتی در کشورهای غنی می‌گردد و به تعبیری جهانی شدن بعضی از مردم دارا و محلی شدن بعضی از مردم نادر را به دنبال می‌آورد. (باومن، ۱۳۷۶: ۴۸) به اعتقاد یکی از نویسندگان جهانی شدن اقتصاد «به سود دارترین کشورها و به ضرر نادرترین کشورها تمامی شود. بنابراین آمار برنامه توسعه سازمان ملل متحد در بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ نادرترین کشورها که بیست درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند شاهد گستر کاهش سهم خود در مبادلات جهانی از ۴٪ به کمتر از ۱٪ بوده‌اند. (ماری، ۱۳۷۵: ۳۴)

۲-۹-۱-۴- تغییر ماهیت شهروندی

از جمله معیارهایی که جهانی شدن به ارمغان آورده، مفهوم مشارکت در شکل جدید آن است که با انتقال حاکمیت از دولت به مردم تجلی پیدا می‌کند. در همین راستا جهانی شدن از طریق خلق دموکراسی جهانی «در رویارویی میان گفتمان‌ها نقش اساسی ایفا نموده و تأثیرات زیادی بر موقعیت این گفتمان‌ها باقی می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین خصایل جهانی شدن تغییر دو مفهوم شهروند ملی و دموکراسی ملی به شهروند جهانی و دموکراسی جهانی است. این دو در حقیقت پارادایم جدیدی را شکل می‌دهند که جوامع را از درون و از طریق جهانی شدن از پایین به نوعی همبستگی جهانی ترغیب می‌کنند. جمهوری اسلامی نیز می‌تواند از چنین پارادایمی خود را بیرون تصور کند.. (عیوضی و اینالو، ۱۳۹۷: ۳۱۲)

۲-۹-۱-۵- شکاف دولت - ملت

جهانی شدن از بالا و پایین عمیق بر ساخت قدرت سیاسی و رابطه دولت- ملت‌ها تأثیر می‌گذارد. به طوری که مؤلفه‌های سیاسی جهانی شدن منجر به بروز شکاف بین دولت ملت گردیده و پیش از موعد زمانی خود آن را برجسته می‌کند. جهانی شدن موجب شرایطی است که در آن می‌توان از امکان ظهور نوعی «دموکراسی پایا در ایران سخن گفت. یکی از مهم‌ترین چشم‌اندازهای حاصله از جهانی شدن، تردید نسبت به مفاهیم سنتی دوران مدرن از قبیل اتوپیا یا دئولوژی است. در دهکده کوچک جهانی اما روز انسان‌ها سعی می‌کنند مسائلی را که با آن درگیر هستند از رهگذر تشکیل جماعات حال سازند. اکنون جامعه و دولت در ایران در حال نوعی گذار از مشروعیت فلسفی به سرعت ابزار می‌هستند. (غفورزاده و رنو ۱۳۸۸: ۱۸۰)

۲-۱۰- چالش اجتماعی اعتیاد در ایران

وضعیت اعتیاد در جمهوری اسلامی ایران دارای شرایط نامناسبی است، آمارهای رسمی نشان می‌دهد که در حال حاضر در کشور، یک میلیون و ۳۲۵ هزار معتاد دارد و سالانه بیش از ۵۰۰ تن مواد مخدر مصرف می‌شود که البته آمارهای غیررسمی رقمی بیش از این را نشان می‌دهد. همچنین طی ۵ سال گذشته روزانه ۷۰ نفر معتاد به جمعیت معتادان کشور اضافه شده و بر اساس تحقیقات انجام شده مواد

مخدر به تنهایی بین ۶۳ تا ۶۵ درصد از جرائم و دستگیری‌ها را به شکل مستقیم و غیرمستقیم به خود اختصاص داده است. همچنین در گزارشی که توسط معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۳ در مورد مواد مخدر و جرائم در ارتباط با آن انجام شده بیانگر این است که مصارف مواد صنعتی از نیم درصد در سال ۸۴ به ۲۶ درصد در سال ۹۲ رسیده است. از سوی دیگر سن اعتیاد نیز کاهش یافته و زنان در معرض آسیب بیشتری قرار گرفته‌اند و همچنین معضلات بهداشتی اعتیاد به‌ویژه ابتلا به ایدز نیز نگران‌کننده است. در حال حاضر میانگین سن معتادان به حدود ۲۰ سال رسیده یعنی از حدود ۲۳٫۵ در سال‌های گذشته به ۲۰ سال کاهش یافته است. (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳)

۲-۱۰-۱- چالش اجتماعی خودکشی در ایران

در جمهوری اسلامی ایران، خودکشی به‌عنوان یکی از چالش‌های اجتماعی می‌باشد. تحلیل داده‌های سالنامه آماری مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که ۴۱۰۹۷ نفر (مرد و زن) در کشور اقدام به خودکشی کرده‌اند. از این تعداد ۲۷۱۶۸ نفر (مرد و زن) فوت شده‌اند و از این تعداد فوت‌شدگان، تعداد ۲۰۴۱۶ نفر مرد و ۶۷۵۲ نفر زن بوده‌اند. این در حالی است که بر اساس آمار سازمان پزشکی قانونی کشور در سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۱ فوت‌شدگان ناشی از خودکشی ۳۸۶۹۱ نفر بوده است. در مقایسه آمار فوت‌شدگان در اثر خودکشی که از سوی نیروی انتظامی ارائه شده با آمار اعلام شده از سوی سازمان پزشکی قانونی کشور تفاوت فاحش دارد و اختلاف ۱۱۵۲۳ نفر را نشان می‌دهد... (عیوضی و اینالو، ۱۳۹۷: ۳۱۳)

۲-۱۰-۲- چالش اجتماعی حاشیه‌نشینی در ایران

وضعیت حاشیه‌نشینی در ایران برای اساس آمارهای موجود، روند فزاینده‌ای داشته است به طوری که بر اساس آمارهای اعلامی از سوی مسئولان کشوری وضعیت حاشیه‌نشینی در کشور دارای وضعیت پیش‌رونده و نامناسبی بوده است، بنا به گفته معاون توسعه روستایی و مناطق محروم رئیس‌جمهور در طی سال ۱۳۹۵، متوسط آمار حاشیه‌نشینی در کشور بین هشت تا ۱۱ درصد می‌باشد. که در چارچوب ۶۰ درصد، اهواز ۳۵ درصد و تبریز ۳۳ درصد حاشیه‌نشینی وجود داشته و همچنین ۶۰ درصد از حاشیه‌نشین‌های تهران را روستایی‌ها تشکیل می‌دهند که به این مناطق مهاجرت کرده‌اند. (خبرگزاری ایرنا، سال ۹۵) همچنین بنا به گفته وزیر کشور در سال ۱۳۹۵، حدود ۱۱ میلیون حاشیه‌نشین در کشور وجود دارد که در حدود ۷۷ هزار هکتار شامل ۲ هزار و ۸۰۰ محله ساکن هستند. (خبرگزاری مهر، سال ۹۵).

۲-۱۰-۳- چالش اجتماعی بیکاری در ایران

یکی از مؤلفه‌های چالش‌زای در ساخت اجتماعی ایران، وضعیت بیکاری می‌باشد، در سال ۱۳۹۳ بر اساس نتایج طرح آمارگیری از نیروی کار ۲۷/۲ درصد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در کشور از نظر اقتصادی فعال محسوب می‌شوند. نرخ بیکاری در میان این گروه جمعیتی ۱۰/۶ درصد بوده که نرخ بیکاری مردان ۸/۸ درصد، زنان ۱۹/۷ درصد و نرخ بیکاری کل در نقاط شهری و روستایی به ترتیب ۱۱/۶ درصد و ۷/۹ درصد بوده است. همچنین در سال ۱۳۹۳ نرخ بیکاری جمعیت فعال ۱۵-۲۴ ساله و ۱۵-۲۹ ساله به ترتیب ۲۵/۲ و ۲۱/۹ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۳ توزیع نسبی شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در سه بخش عمده فعالیت اقتصادی عبارت است از ۱۷/۹ درصد در بخش کشاورزی، ۳۳/۸ درصد در بخش صنعت و ۴۸/۳ درصد بخش خدمات که این میزان در بخش‌های خصوصی، عمومی و سایر به ترتیب ۸۳/۱ و ۱۶/۹ درصد بار آورد شده است. (سالنامه آماری ایران، ۱۳۹۳-۲۰۴-۱۸۵)

۲-۱۰-۴- چالش اجتماعی فقر و کاهش وضعیت رفاهی جامعه در ایران

یکی از شاخص‌های وضعیت معیشتی و رفاهی جامعه، تعداد افراد مشمول دریافت خدمات امدادی معیشتی از سوی نهادهای امداد رسان می‌باشد. مطابق آمار موجود، تعداد خانوارهای مورد حمایت کمیته امداد امام خمینی (۶) در سال ۱۳۹۳ بالغ‌بار ۱۸۸۳۰۴۲ مورد بوده است که این میزان در سال ۱۶۴۹۴۰ خانوار بوده است. (سالنامه آماری ایران، ۱۳۹۳: ۵۸۹)

سالانه یک خانوار شهری ۲۳۴/۹ میلیون ریال بوده (در سال ۸۵، متوسط هزینه‌های خانوار شهری برابر ۶۷/۲۸۶ میلیون ریال بوده است. (که نسبت به سال گذشته افزایش به میزان ۱۴ درصد را نشان می‌دهد... (عیوضی و اینالو، ۱۳۹۷: ۳۱۵)

۳- نتیجه گیری

علی‌رغم آن که مشکلات اجتماعی بخش اجتناب‌ناپذیری از مشخصات جوامع امروزی تلقی می‌گردند، در ایران گستره مشکلات اجتماعی چون فقر، بیکاری، تبعیض و نابرابری اجتماعی، اعتیاد، روسپیگری، خشونت و... به سبب عوارض سوءفردی و اجتماعی آن‌ها و نقش منفی بر فرایند توسعه جامعه ایران، نگران‌کننده بوده و ضرورت بررسی‌های علمی و مداخلات جدی مبتنی بر شواهد در سطوح مختلف را فراهم آورده است.

درباره تعریف و طبقه‌بندی مشکلات اجتماعی در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان توافق قطعی وجود ندارد، به گونه‌ای که در اسناد سازمان‌های دولتی و غیردولتی و مکتوبات صاحب‌نظران، مصادیق مشکل، مسئله، انحراف و آسیب اجتماعی همپوشانی فراوان داشته و طبقه‌بندی برخی از مسائل و مشکلات اجتماعی در هریک از دسته‌بندی‌های فوق را دشوار می‌نماید. صرفنظر از تفاوت دیدگاه‌ها در نام‌گذاری مسائل اجتماعی، فصل مشترک همه این مسائل در آن است که همه آن‌ها پدیده‌هایی نامطلوب بوده و افکار عمومی جامعه و نخبگان را به خود مشغول داشته، به گونه‌ای که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آن‌ها پدید آمده است.

بدین ترتیب، فقر، نابرابری، انحرافات فردی، مشکلات نهادهای مختلف جامعه مانند: ارتشا و اختلاس و ناکارآمدی نهاد آموزش، مشکلات سلامت روان و... صرفنظر از آن‌که، انحراف، آسیب یا مشکل تلقی شوند، همگی ذیل عنوان مشکلات اجتماعی طبقه‌بندی می‌گردند. تنوع و گستردگی مفاهیم و مصادیق مشکلات اجتماعی هرگونه اقدام به‌منظور کنترل، پیشگیری و یا کاهش آن‌ها را در جهت بهبود سلامت جامعه موکول به اولویت‌بندی آن‌ها می‌کند، زیرا معمولاً منابع اختصاص داده شده به حل مشکلات اجتماعی اعم از منابع مالی، نیروی انسانی و سایر منابع محدودتر از طیف گسترده مشکلات اجتماعی است. علاوه بر آن برخی افراد یا گروه‌های اجتماعی بیش از سایر گروه‌ها و افراد در معرض پیامدها و آثار سوء مشکلات اجتماعی بوده و بدین جهت برنامه‌های کنترل و کاهش مشکلات اجتماعی می‌بایست جمعیت‌های در معرض مشکلات اجتماعی را در اولویت پوشش خود قرار دهد. نکته قابل تأمل در خصوص مشکلات اجتماعی و اولویت‌بندی آن‌ها، آن است که علاوه بر شاخص‌های ملموس و تعیین‌کننده میزان اهمیت یا اولویت هر مشکل، مانند گستره یا فراوانی آن، ابعاد ذهنی آن پدیده مانند شدت مغایرت با ارزش‌های فردی و اجتماعی نیز بر تلقی هر مسئله به عنوان یک مشکل یا در اولویت دانستن آن نقشی در خور، ایفا می‌نماید. بر این اساس باید خاطر نشان ساخت که مشکلات اجتماعی از ابعاد ارزشی نیز برخوردار بوده و نسبت مستقیمی با قضاوت افراد نسبت به آن‌ها در دوره‌های زمانی گوناگون دارد، به طوری که در جوامع مختلف و نزد هر گروه اجتماعی، تلقی افراد از پدیده‌های اجتماعی و ارزیابی از آن‌ها به عنوان یک مشکل اجتماعی متفاوت است. در واقع بخشی از عدم توافق در خصوص مصادیق آسیب‌ها، انحرافات و مشکلات اجتماعی و تفکیک آن‌ها از یکدیگر ریشه در ابعاد ارزشی این مفاهیم و تبعیت این عناوین از قضاوت افراد جامعه دارد. بدین جهت است که مشکل اجتماعی پدیده‌ای تلقی می‌گردد که نه تمامی آحاد جامعه بلکه به‌زعم تعداد قابل توجهی از افراد، مشکل تلقی گردد و از دید آن‌ها ارزش‌ها و یا کیفیت زندگی آنان را به مخاطره اندازد.

توجه جدی به مشکلات اجتماعی در ایران با توجه به روند رو به رشد تعدادی از مشکلات براساس پژوهش‌های موجود و افزایش شیوع مشکلات اجتماعی در گروه‌های سنی پایین‌تر ضروری بوده و با توجه به تنوع مشکلات اجتماعی و محدودیت منابع انسانی و مالی لازم است تا نخست به اولویت‌های این مشکلات برای برنامه‌ریزی و مداخله دست یافت. در بسیاری از کشورهای جهان وضعیت مشکلات اجتماعی براساس شاخص‌های معین و داده‌های موجود، سالیانه و تحت عناوینی مانند گزارش وضعیت اجتماعی انتشار می‌یابد.

چنین گزارش‌هایی به سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و مجریان برنامه‌های اجتماعی در کشورها کمک می‌کند تا به شناخت دقیق‌تری از وضعیت موجود و روند مسائل و مشکلات اجتماعی در کشور خود رسیده و ضمن اولویت‌بندی در خدمات و برنامه‌ها نتایج برنامه‌ها و مداخلات را ارزیابی نمایند. در نبود چنین گزارش‌ها و اطلاعات و آمار دقیق از وضعیت مشکلات اجتماعی در کشور با توجه به تجارب مشابه در ایران و جهان می‌توان از روش‌های دیگری که به شیوه‌ای علمی و براساس اجماع گروه‌های مختلف مرتبط با مشکلات اجتماعی، به اولویت‌بندی در این مورد دست یافت.

۴- منابع

- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران: نشر نی، چاپ دوم .
- احمدی، حبیب (۱۳۷۷) *نظریه‌های انحرافات اجتماعی*، شیراز: انتشارات زر، چاپ اول .
- امیراحمدی، رحمت‌الله (۱۳۸۴) *شناسایی و اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی شایع در مناطق روستایی*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی .
- باندورا، آلبرت (۱۳۷۲) *نظریه یادگیری اجتماعی*، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: نشر راهگشا .
- پیناتل، ژان (۱۳۴۵) *جرم‌شناسی*، ترجمه رضا علوی، تهران: انتشارات امیرکبیر
- تقی‌شریعتی، ناصر (۱۳۸۱) *بررسی مقدماتی شاخص ترکیبی سلامت اجتماعی*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی .
- حاجلی، علی (۱۳۷۶) *بررسی تطبیقی دیدگاه رهبر و رئیس‌جمهور پیرامون مسائل اجتماعی ایران و مقایسه آن با نظرات مردم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس .
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۶۶) *مجرم کیست؟ جرم چیست؟*، تهران: انتشارات کیهان .
- رابرتسون، یان (۱۳۷۲) *درآمدی بر جامعه*، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی .
- رایگنتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۸۳) *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران .
- رفیعی، حسن (۱۳۸۰) *مشکل اجتماعی: دستور کار نظام رفاه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۰، صص ۳۳ - ۳۵
- ستوده، هدایت‌الله، میرزایی، بهشته، ازند، افسانه (۱۳۸۱) *روان‌شناسی جنایی* . تهران: انتشارات آوای نور چاپ سوم .
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴) *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ سیزدهم .
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی کج‌روی* . قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه .
- طریقی، شکرالله (۱۳۵۳) *روان‌شناسی و روان‌پزشکی کیفری*، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، چاپ دوم .
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳) «طرح مسئله اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها»، در *مسائل اجتماعی ایران*، تهران: نشر آگه .
- عبدالهی، محمد (۱۳۸۱) یادمان رابرت کینگ مرتن، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، ش ۲، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران .
- قهاری، حسین (۱۳۸۳) *بررسی روند آسیب‌های اجتماعی در ایران*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی .
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰) *مبانی جرم‌شناسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، جلد اول .
- کوئن، بروس (۱۳۷۲) *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت .
- گسن، ریمون (۱۳۷۴) *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: مجتمع علمی و فرهنگی مسجد، چاپ اول .
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم .

- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳) *جامعه‌شناسی انحرافات*، جزوه درسی آسیب‌شناسی اجتماعی دوره کارشناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران .
- مدنی، سعید (۱۳۷۹) *آسیب‌ها، انحرافات اجتماعی و فقر در ایران*: فقر در ایران (مجموعه مقالات) تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی .
- معتمدی، هادی (۱۳۸۶) «اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران» *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۴.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱) *انحرافات اجتماعی*: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار .
- مولانیا، عزت‌الله و دیگران (۱۳۸۰) *بزهکاری زنان، آسیب‌شناسی، سبب‌شناسی و درمان*، در مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان .
- نارنجی‌ها، هومن، و دیگران (۱۳۸۴) ارزیابی سریع وضعیت سوی مصرف و وابستگی به مواد در ایران (نیمه دوم سال ۱۳۸۳)، مؤسسه داریوش، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی .
- وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۸۳) *جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه علی سلیمی و دیگران، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه .
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) *سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، دفتر طرح‌های ملی .
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲) *سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، دفتر طرح‌های ملی .
- Adler M and Ziglio E, (1996) *Gazing into the Oracle: The Delphi Method and Its Application to Social Policy and Public Health*, London: Jessica Kingsley. Publishers.
- Bynum Jack and Thampson, W. E. (1996) *Jevenile Delinquency*: Boston: Allyn/bacon.
- Cohen, A (1971) *Delinquent Boys: The culture of the gang*, New York: Free Press.
- Downs & Rock, Paul (1998) *Understanding Deviance*, Oxford University Press.
- Gatewood, R.D. and Gatewood, E.I. (1983) "The use of expert data in human resource planning: guideline from strategic forecasting". *Human Resource Planning*, 5(1).
- Gordon, T.J., (1994) "The Delphi Method, Available" at: <http://WWW.isdag.fs.utm.my>
- Linstone, H.A. and Turoff, M., (1975) (digital version: 2002), "Introduction", In H. A. Linstone, M. Turoff (Eds), *The Delphi Method: Techniques and Applications*, Addison-Wesley.
- Merton, R, K (1938) "Social Structure and anomic", In Pontel, H. N (1999) *Social Deviance, Reading in Theory and research*, Prentice Hall, pp. 37-46.
- Shaklady Smith, L (1978) "Sexist Assumptions and female delinquency", in: C. Smart and B. Smart (eds) *Women sexuality and social control*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Taylor Ian, Walton Pauland Young Jock (1973) *The New Criminology: For A Social Theory Of Deviance*, London: Routledge & Kegan Paul.
- Wrightsman, L.S.M.et al, (1998) *Psychology and the legal system* (4 th ed), Broks/cole Publishing Company

Pathology of social issues analysis in Iran and its solutions

The social problem as social harm A century ago, the functional approach of structure-society was revived as an organism. One view led to the theory of community pathology; A theoretical model in which a social problem, such as a disease that impairs the functioning of the human body, disrupts the normal functioning of society. This model considers crime, apostasy, and premarital intercourse to be the damage of the Greek word meaning social disease, which endangers the health of society; And in reviewing past research, it has been found that poorer and dirtier areas and neighborhoods with narrow alleys are more prone to crime and social perversion. According to the theory of broken windows, houses that look bad and broken are a better place to do social harm. Even in houses that are not suitable in terms of lighting and facilities, they have a better shape to create a deviation than houses with a better shape. People in alleys and dark neighborhoods with no facilities and with fewer facilities and areas with less care are more prone to abnormalities and deviations and the formation of a social problem and social harm. The purpose of this study is to analyze the social problems in Iran and its solutions.

Keywords: social harm, society, social issues, cognitive impairment